



قدردانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نقش آفرینی و حضور قشرهای مختلف در مقابله با جنگ تحمیلی علیه ایران

# مذاکره، صحنه دیگری از کارزار نبرد است



تلاش های پاکستان برای توقف کامل جنگ شتاب گرفته است

## عاصم منیر دوباره در تهران

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت:

### دولت وفاق ملی سهم ساز است نه سهم خواه

نمی توان از پایداری ایران در تجاوز سنگین دشمنان گفت، اما از یکی از مهم ترین عوامل پایداری ساز، یعنی دولت نام نبرد. دولت، بویژه حالا که زمان وفاق و انسجام است، اهل طعن یا گلایه یا افتادن در بازی های وحدت سوز نیست. اما بی انصافی پیشه کردن مقابل دولت و رئیس جمهوری که تا پای جان برای ایران ایستاده، امری است که نه ایرانیان قبول خواهند کرد و نه تاریخ فراموش.

وزیر امور خارجه  
از آخرین جزئیات پرونده گفت  
قاتل بانوی خبرنگار  
در انتظار مجازات قصاص

بخشی از آگهی ها به ابزار سنجش بازار و قیمت سازی تبدیل شده اند  
ویرینی برای قیمت سازی مسکن

گزارش «ایران» از نقش مردم در صرفه جویی مصرف آب  
به باران دل خوش نکنید، سدها هنوز خالی است

قدردانی سپاه پاسداران از نقش آفرینی و حضور مقتدرانه قشرهای مختلف در جنگ تحمیلی علیه ایران

### مذاکره، صحنه دیگری از کارزار نبرد است

و شما مردم مبعوث شده بصیر و آگاهی که این هشتاد و چند شب پرشور که طوفانی از «سرمایه اجتماعی» و «وحدت ملی» بود، در برابر چشمان حیرت زده جهانیان، ماهیت مستحکم و بازدارنده نظام اسلامی را به رخ دشمنان کشیدید و با پیوند قلبی و رفتاری با نیروهای نظامی میدان نبرد سخت، ثابت کردید که حماسه آفرینی در جمهوری اسلامی نه تصادفی، که برآمده از یک اراده اعتقادی و ایمانی، باورمند به منافع ملی و میهنی، هماهنگ و عاشقانه است. امروز، به برکت مجاهدت پرشور شما ملت لبیک گو به فرمان مقام عظمای ولایت و رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله سید مجتبی خاмене ای (دام ظلّه العالی)، قدرت نرم انقلاب چنان در تار و پود جامعه رسوخ کرده که هیچ تهدید نظامی یا روانی دشمن توان مقابله با آن

مداحان شور آفرین که با نوای حماسی و مرثیه های روشنگرانه خود، روح غیرت و شهادت طلبی را در رگ های اجتماعات دمیدید. ثبوت و انعکاس لحظه به لحظه این حضور عظیم در صدا و سیما و سایر رسانه ها، روایتگر صادق و بی وقفه ای از اقتدار ملی پیروزی نهایی است و این «وعده صادق»، مدافعان وطن بودید و با دوربین و قلم خود، حماسه را به خانه ها و جهان مخابره کردید؛ این جهاد تبیین میدانی و شجاعت کم نظیر، تأثیری بازدارنده بر معادلات دشمن داشت. شما هنرمندان متعهد که با قلم، تصویر، سرود و نمایش، زبان گویای اعتراض به قدری های استکبار و همدلی و حمایت از نیروهای مسلح و مدافعان وطن و همچنین غرزه و مقاومت اسلامی را بلند کردید.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی خطاب به دست اندرکاران، برگزارکنندگان و خالقان حماسه اجتماعات شبانه مردمی تأکید کرد: مذاکره، صحنه دیگری از کارزار میدان نبرد است که نیازمند استمرار حضور مقتدرانه و پرشور در خیابان و پشتیبانی افسران عرصه دیپلماسی تا کسب پیروزی نهایی است و این «وعده صادق»، بزرگ ترین سپهر دفاعی کشور عزیزمان ایران است. پیام قدردانی روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطاب به دست اندرکاران، برگزارکنندگان و خالقان حماسه اجتماعات شبانه مردمی به شرح زیر است:

۵- **مسئولیت پذیر:** دولت دفاع ملی باید با قدرت به وظایف خود در قانون اساسی عمل کند و کاملاً به تعهداتش در قبال مردم پایبند باشد. دولت مسئولیت گریز و اجاله کننده وظایف، قادر به مدیریت بهینه دفاع میهنی نیست. ۶- **مبتکر و خلاق:** دولت دفاع ملی باید کنش مند یعنی فرصت ساز، بازی ساز و بازیگردان باشد، به طوری که فراتر از نقش آفرینی، باید تعیین کننده نقش ها بر پایه کارگردانی کنشگران سیاسی باشد. ۷- **مصمم:** دولت دفاع ملی باید تصمیم ساز و تصمیم گیر بوده و تصمیم ها را بموقع اجرا کند. در شرایط جنگی کشور نباید دچار بی تصمیمی و تعلیق امور شود. ۸- **معتدل:** دولت دفاع ملی باید برآورد درست و دقیقی از مقدرات و محظورات ملی کشور و دشمن داشته باشد و برپایه تحلیل هزینه فایده برای تأمین منافع عمومی و ملی، نه احساسات و احساسی، تصمیم گیری و عمل کند. ۹- **مقاوم:** دولت دفاع ملی باید در هر دو عرصه داخلی و خارجی در مقابل زیاده خواهی ها و فشارهای گوناگون مقاومت کند. مهم ترین وجه مقاومت خارجی، دیپلماسی مقاوم است به معنای دیپلماسی برای مقاومت میهنی؛ مقاومت در دیپلماسی و مذاکره منطقی و مقاومت برای حمایت از دیپلماسی فعال و خلاق. ۱۰- **متعامل:** دولت دفاع ملی باید در داخل و خارج با سایر بازیگران سیاسی و کنشگران بین المللی در ارتباط و تعامل مؤثر و فعال باشد. در روابط بین الملل مدرن، ارتباطات و تعاملات بین المللی در چهارچوب قدرت رابطه ای، یکی از مهم ترین عناصر قدرت ملی به شمار می رود. بدیهی است که «دولت دفاع ملی» در صورتی می تواند کارگردها، وظایف و مسئولیت های خود را به نحو احسن انجام دهد که از پشتیبانی و حمایت حداکثری مردم، از یکسو و سایر ارکان نظام، ازسوی دیگر برخوردار باشد.

### ده گانه دولت دفاع ملی

#### یادداشت



سیدجلال دهقانی فیروزآبادی  
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

در کمتر از ۹ ماه دو جنگ تجاوزکارانه خارجی بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد. در نتیجه، نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران در وضعیت جنگی ناخواسته قرار گرفتند. جنگ اگرچه تحمیلی بود، اما دفاع ملی و میهنی، ماهیت انتخابی و ارادی دارد، به گونه ای که ایران با تمام قوا از موجودیت و بقای خود دفاع می کند. دفاع میهنی، متضمن و مستلزم مدیریت و حکمرانی بهینه شرایط جنگی کشور است که دولت در کانون آن قرار دارد. از این رو، این دولت به درست، «دولت دفاع ملی» نامیده شده است. دولت دفاع ملی برای تمسک و تدبیر بهینه و پیشینه امور داخلی و خارجی باید واجد این ویژگی ها و مؤلفه ها باشد:

۱- **مشروع و مقبول:** دولت دفاع ملی باید از مشروعیت و مقبولیت لازم مبنی بر رضایت و حمایت مردمی برخوردار باشد. پنجتوانه مردمی مهم ترین و بالاترین سرمایه دولت برای اداره بهینه جنگ و شرایط جنگی در کشور است. ۲- **مقتدر:** دولت دفاع ملی باید اقتدار، به معنای توان تولید و اعمال قدرت مشروع را داشته باشد. از این رو دولت، اول باید مولد قدرت باشد؛ و دوم، به منظور مدیریت مؤثر بتواند قدرت را بچسا و به اندازه اعمال کند. ۳- **متحد و منسجم:** دولت دفاع ملی باید یکپارچه باشد؛ به گونه ای که در داخل و خارج به صورت یکدست عمل کند و با یک زبان سخن بگوید. دولت چندپاره، متشکک و متشتت از پس اداره جنگ و جامعه جنگ زده بر نمی آید. ۴- **متمرکز:** دولت دفاع ملی باید در کانون و مرکزیت اداره امور کشور قرار داشته باشد؛ این دولت باید میدان داری و میان داری کند، نه اینکه منزوی و

وما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم  
روابط عمومی سپاه پاسداران  
انقلاب اسلامی

### عبور ۳۵ کشتی از تنگه هرمز با هماهنگی نیروی دریایی سپاه

پس از گذشت بیش از ۸۰ روز از آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و همچنین تصمیم ایران مبنی بر اعمال کنترل هوشمند بر تنگه هرمز، اکنون نظم جدید دریایی جمهوری اسلامی ایران در این آبراه راهبردی در حال تثبیت است. بر اساس ضوابط جدید، تردد کلیه شناورها از مسیرهای تعیین شده در جنوب جزایر هرمز و لارک، تنها با تأیید نهایی نیروی دریایی سپاه پاسداران امکان پذیر است. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته با صدور اطلاعیه ای، خبر داد که «طی شبانه روز گذشته ۳۵ فروند کشتی اعم از نفتکش، کانتینربرو و سایر کشتی های تجاری پس از کسب مجوز با هماهنگی و تأمین امنیت نیروی دریایی سپاه از تنگه هرمز عبور کردند.»

بنابراین اطلاعیه، «علی رغم ناامنی ایجاد شده در پی تجاوز ارتش تروریستی آمریکا در تنگه هرمز، نیروی دریایی سپاه یک آبراه ایمن برای کشتیرانی و استمرار تجارت جهانی ایجاد نمود.»

بخوان ایران بخوان

سازمان آگهی های ایران ورزشی  
۸۸۵۰۰۶۰۱ - ۴

در لحظه بخوان  
ایران بخوان  
www.ion.ir

## صدای پاستور

فاطمه مهاجرانی  
سخنگوی دولت

## دولت وفاق ملی سهم‌ساز است نه سهم‌خواه

دولت وفاق ملی در بزنگاه خاص تاریخی مسئولیت را برعهده گرفت. این موقعیت را به این دلیل باید «بزنگاه» دانست که انتخابات ریاست جمهوری پس از شهادت رئیس دولت سیزدهم برگزار شد. به یمن درایت رهبر شهید و امانتداری کارگزاران ارشد دولت سیزدهم، فرآیند آرام انتقال قدرت در عالی‌ترین سطح اجرایی کشور درحالی سپری شد که تحولات غرب آسیا به نقطه جوش رسیده بود.

تسور میهمان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در شب تحلیف رئیس‌جمهوری مسعود پزشکیان نشان می‌داد. اعلان نام‌نوی و ترویسیم دولتی در غرب آسیا می‌خواهند آتش این تحولات را به درون مرزهای ایران تنسری دهند. «وفاق ملی» مهم‌ترین یادزهر این آتش‌افروزی‌ها در حوزه داخلی بود.

کمتر از یک سال بعد از آغاز به‌کار دولت چهاردهم جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران آغاز شد و ۹ ماه بعد در جنگ رمضان، ایران اسلامی با همه توان نظامی، لجستیک، اقتصاد، اداری و اجتماعی مقابل قوی‌ترین ارتش و قوی‌ترین اقتصاد جهان ایستاد. ایران در هر دو جنگ همه ظرفیت و همه اندوخته‌های تاریخی‌اش را برای دفاع و حفظ استقلال خود بکار گرفت.

مسأله فقط ایستادگی دولت نبود. حتی زنان خانه‌دار ایرانی هم با مدیریت اقتصاد خانواده، حفظ آرامش خانه، دنبال کردن تحصیل و امنیت روانی فرزندان و درعین حال پشتیبانی از همسران‌شان برای نقش‌آفرینی در سنگرهایی چون حضور در پایگاه‌های موشکی و پهای لاجرها، خاموش‌کردن آتش بمباران دشمن، رفع خرابی‌های تأسیسات برق ناشی از تجاوز دشمن، تأمین امنیت شهرها و حضور در اداره‌ها نقش‌آفرینی کردند. اساتید دانشگاه‌ها معانی عمیق ایستادگی را برای ایرانیان و جهانیان تفسیر کردند، رسانه‌ها از مظلومیت ایرانیان نوشتند، نانوایان نان پختند و رانندگان کالها را به نقاط مختلف کشور رساندند.

در دوره استعمار جدید که از حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۱ آغاز شد و با دستگیری غیرقانونی رئیس‌جمهوری ونزوئلا به اوج خود رسید، ایران تنها کشور و تنها ملتی است که به رغم تجاوز قوی‌ترین نیروی نظامی تاریخ بشر، مقابل این نیروی ویرانگر ایستاد، دشمن را پشت مرزهای کشور متوقف کرد و به رغم زخم‌های عمیق و از دست‌دادن جان‌های پاک استقلال خود را تثبیت و تضمین کرد.

دولت چهاردهم با رویکرد «وفاق ملی» عملاً به حلقه پیوند حوزه‌های مختلف این ایستادگی بدل شد. این حلقه پیوند، گاه از طریق دوری از محادلات غیرضرور سیاسی عمل کرد، گاه از طریق پیگیری حقوق مردم بویژه زنان و گاه از طریق افزایش همکاری میان قوا و کاهش هرچه بیشتر اختلافات غیرلازم که باعث ناهماهنگی‌های آسیب‌زای می‌شد.

نقش تاریخی و جایگاه ملی که دولت چهاردهم از طریق رهبری ونزوئلا به اوج خود رسید، ایران تنها کشور بود که این دولت آنتی‌تبه‌هیج دولت و هیچ جریان سیاسی و اجتماعی نبوده و نیست. دولت وفاق ملی برای وصل‌کردن آمد، نه فصل‌کردن. طبیعتاً اجتناب از قطبیت‌های سیاسی و حرکت مابین خطوط، تا حدکثر منابع و امنیت و آرامش را برای اکثریت ملت ایران تأمین کند، کار ساده‌ای نبوده و امری نبود که با الگوهای آموخته شده برخی جریان‌ها سازگار باشد. اما ترکیب دولت چهاردهم و حضور چهره‌ها و نامزدگی از گرایش‌های سیاسی مختلف در همه سطوح، نشان داد حرکت در این راه، به رغم سختی‌اش، نه تنها ناگزیر، که ناشی از یک «پایه تاریخی» برای ایران امروز است.

اکنون با عبور سرفرازانه از دو جنگ تحمیلی، جنگ‌هایی که می‌خواهند: زیرا براین باور است که ایران اسلامی عالی‌ترین نقطه پیوند و مبنای‌ترین قانون وفاق است.

دولت و رئیس‌جمهوری از راه وفاق ملی قدیمی عقب نخواهند گذاشت و براری کار ایران از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد. اما نکته این است که نمی‌توان از پایداری ایران در تجاوز ستکین دشمنان گفت، اما از یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری‌ساز، یعنی دولت نام‌نبرد، دولت، بویژه حالا که زمان وفاق و انسجام است، اهل طعن یا لایله یا افتادن در بازی‌های وحدت‌سوز نیست. اما بی‌انصافی پیشه‌کردن مقابل دولت و رئیس‌جمهوری که تا پای جان برای ایران ایستاده، امری است که نه ایرانیان قبول خواهند کرد و نه تاریخ فراموش.

## رئیس‌جمهوری در دیدار با فرمانده کل ارتش:

## دولت با تمام ظرفیت

## از تقویت نیروهای مسلح حمایت می‌کند

## دولت

رئیس‌جمهوری، در دیدار با امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران با قدردانی در زرشادها، ایثارگری‌ها و عملکرد مقتدرانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه ارتش پرافتخار در مقابله با تجاوزات و تهاجمات آمریکا و رژیم صهیونیستی، از پاسخ‌های قاطع، هوشمندانه و بازدارنده نیروهای مسلح به اقدامات خصمانه دشمنان تقدیر کرد.

رئیس‌جمهوری در این دیدار نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران را در تأمین امنیت ملی، حراست از تمامیت ارضی کشور و ارتقای بازدارندگی مسلح در شرایط تعیین‌کننده و راهبردی توصیف و اظهار کرد: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه ارتش مؤمن،

مردمی و انقلابی، در جریان تحولات و تهدیدات اخیر با آمادگی عملیاتی بالا، اشراف اطلاعاتی، انسجام فرماندهی و توان رزمی مؤثر، اقتدار دفاعی کشور را به نمایش گذاشتند و اجازه ندادند دشمنان به اهداف شوم پزشکیان با اشاره به ضرورت تقویت مستمر بنیه دفاعی و ارتقای آمادگی رزمی نیروهای مسلح، تأکید کرد: «دولت با تمام ظرفیت در کنار نیروهای مسلح قرار دارد و از برنامه‌های راهبردی ارتقای توان عملیاتی و افزایش توان بازدارندگی کشور حمایت خواهد کرد.»

رئیس‌جمهوری همچنین با تأکید بر اهمیت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و نیروهای مسلح در شرایط حساس منطقه‌ای افزود: «امروز انسجام ملی، آمادگی دفاعی و حفظ اقتدار نیروهای مسلح، مهم‌ترین

پشتوانه امنیت، ثبات و آرامش کشور در برابر تهدیدات و جنگ ترکیبی دشمنان است.»

ارتش در انجام مأموریت‌های خود لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد

در این دیدار، امیر سرلشکر حاتمی نیز گزارشی از آخرین وضعیت عملیاتی، اقدامات دفاعی و مأموریت‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تجاوزات و تحرکات خصمانه دشمنان ارائه کرد و با تشریح بخشی از عملیات‌ها و پاسخ‌های انجام‌شده علیه متجاوزان، بر آمادگی کامل یگان‌های مختلف ارتش در حوزه‌های مختلف تأکید کرد.

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران همچنین روند بازآماد، بازیابی و ارتقای توان رزمی یگان‌ها در دوره آتش‌بس را تشریح و تصریح کرد: «ارتش جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجربیات میدانی، تقویت آمادگی عملیاتی، ارتقای هماهنگی میان نیروها و به‌روزرسانی



## پزشکیان:

## دولت با تمام

## ظرفیت در

## کنار نیروهای

## مسلح قرار

## دارد و از

## برنامه‌های

## راهبردی

## ارتقای توان

## دفاعی و

## افزایش توان

## بازدارندگی

## کشور حمایت

## خواهد کرد



عکس: president.ir

## رسانه‌های صهیونیستی اجازه دیدن واقعیت‌ها را به مردم نمی‌دهند

رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه روابط عمومی‌ها می‌توانند آگاهی مردم را افزایش دهند، گفت: رسانه‌های صهیونیستی اجازه دیدن واقعیت‌ها را به مردم نمی‌دهند. مسعود پزشکیان در پاسخ به سؤال پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، درباره روابط عمومی‌ها گفت: «هر چقدر روابط عمومی بتواند نفوذ و دایره عمل خود را افزایش دهد، یعنی وظیفه و رسالت خود را به‌خوبی انجام داده است. اگر روابط عمومی‌ها می‌توانند نفوذ خود را

ظرفیت‌های رزمی و پشتیبانی، آمادگی کامل دارد تا در برابر هرگونه تهدید، تجاوز یا اقدام ماجراجویانه علیه کشور، پاسخی قاطع، پشیمان‌کننده و درخور اقتدار جمهوری اسلامی ایران ارائه کند.»

امیر سرلشکر حاتمی با تأکید بر روحیه جهادی، انقلابی و فداکارانه کارکنان ارتش خاطرنشان کرد: «نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با همه توان، آمادگی جانفشانی و فداکاری در مسیر دفاع از امنیت، استقلال، عزت و تمامیت ارضی کشور و صیانت از ملت بزرگ ایران را دارند و در انجام مأموریت‌های خود لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.»

ایران را کمتر از واقعیت ارزیابی کرده بود، در حالی که ایران توانست در برابر آنها مقاومت کند و پاسخ مؤثری ارائه دهد که تاکنون ندیده بودند.» وی ادامه داد: «سومین اشتباه ترامپ و حامیانش، تحلیل نادرست از رفتار مردم ایران بود؛ آنها تصور می‌کردند به دلیل مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های موجود، مردم از نظام فاصله گرفته‌اند و در صورت حمله خارجی، با بیگانگان همراهی خواهند کرد. در حالی که ممکن است مردم نسبت به مشکلات مترض باشند، اما هرگز در برابر حمله خارجی علیه کشورشان همراه دشمن نمی‌شوند، به‌ویژه زمانی که احساس کنند هدف، تجزیه ایران یا فروپاشی کشور است. به اعتقاد من، همین سه اشتباه محاسباتی باعث شد ایران در آن شرایط سخت بتواند مقاومت کند و مسیر جنگ تغییر پیدا کرد.»

بالای مدیریتی آن حتی در زمان جنگ، تصریح کرد: «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنگ دوازده‌روزه این بود که رهبر شهید انقلاب، ظرف چند ساعت برای همه فرماندهانی که شهید شده بودند، جایگزین تعیین کرد و افرادی جایگزین شهیدا شدند که کاملاً آماده بودند و از لحظه قبول مسئولیت می‌دانستند باید چه کاری انجام دهند. قرار نبود این افراد دوره آموزشی بگذرانند یا تازه وارد فضای فرماندهی شوند، شخصیت‌هایی مانند شهید پاکپور، شهید موسوی و دیگر فرماندهانی که مسئولیت به عهده گرفتند، از قبل تجربه و دانش کامل داشتند.»

خارج، بسیاری سعی کردند این فضا را ایجاد کنند که ایران درگیر جنگ مستقیم با رژیم صهیونیستی شود و خود اسرائیل هم به مسأله دامن می‌زد و تلاش بود این شائبه را ایجاد کند که ایران در آن عملیات عاملیت داشته است. اما رهبری شهید بلافاصله در سخنرانی‌های خود تأکید کردند که جمهوری اسلامی نه‌تنها نقشی در این ماجرا نداشته بلکه حتی از آن مطلع هم نبوده است.»



## مدیریت

## کشور در

## همه سطوح

## باید بدانند،

## این مردم

## بودند که

## ایران و نظام

## جمهوری

## اسلامی را

## نجات دادند،

## پس مردم

## ایران شایسته

## زندگی

## بسیار بهتر و

## محترمانه‌تری

## هستند



## گزارش

معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم با اتکا به شناخت پیشینی از رئیس‌جمهوری آمریکا و زیاده‌خواهی‌های او در جریان جنگ از برجام در سال ۲۰۱۸ و پیگیری استراتژی فشار حداکثری، مواضع متفاوت ترامپ درباره جنگ و علیه ایران را تحلیل کرد. جهانگیری همچنین در گفت‌وگو با «ایرنا» به تبیین نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی اخیر و اشتباهات محاسباتی دشمن پرداخت. اسحاق جهانگیری در تحلیل چرایی اظهارات متناقض ترامپ-به‌ویژه در جنگ و مذاکره با ایران - و این پرسش که آیا در پس‌زمینه این رفتار خلاف عرف دیپلماتیک، یک‌نظم فکری نهفته است یا اینکه صرفاً برگرفته از برخی ویژگی‌های روانی وی است؟ گفت: «وی براساس نوعی منطق معامله‌گری عمل می‌کند. خود ترامپ در کتاب خاطراتش نوشته است که وقتی وارد یک مذاکره می‌شوید، باید از موضع بالا آغاز کنید و طرف مقابل را تحت فشار قرار دهید تا در نهایت روی اعداد و امتیازاتی پایین‌تر توافق کنید. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌های رفتاری او نیز تا حد زیادی بر همین مبنا شکل گرفته است.»

وی با یادآوری سیاست «فشار حداکثری» ترامپ و اذعان سیاستمداران مطرح آمریکا به شکست آن استراتژی در سال‌های بعد، یادآور شد: «در آن دوران تلاش می‌کردیم زندگی مردم با وجود تحریم‌ها، دچار تلاطم غیرقابل کنترل نشود؛ به‌ویژه از سال ۱۳۹۷، زمانی که ترامپ از برجام خارج شد، فشارها بسیار شدیدتر شد. در کنار فشارهای اقتصادی، هر‌زمان که ترامپ می‌آیوس می‌شد و احساس می‌کرد در تحقق اهداف خود ناکام مانده است، اقداماتی تنش‌آفرین چون تروپر شهید سردار سلیمانی را انجام می‌داد تا ایران را وادار به واکنش کند و طبیعی بود که جمهوری

## در کنفرانس بین‌المللی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شد

## اصلاح شاخص‌های توسعه جهانی براساس تجارب جنگ رمضان

## گزارش

در یازدهمین کنفرانس «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» که اوخر اردیبهشت‌ماه با حضور اندیشمندان داخلی و خارجی برگزار شد، با اشاره به نشانه‌های پیشرفت تاریخی، نظامی، سیاسی و اجتماعی ایران که در جنگ رمضان آشکار و زمینه‌پایدار کشور شد، تأکید شد که این شاخص‌ها باید احصا، جمع‌بندی و برای اصلاح شاخص‌های مرسوم توسعه که از سوی نهادهای بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد، در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد. به گزارش «ایران»، صادق واعظ‌زاده، رئیس مرکز «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در آغاز این رویداد علمی، یاد و راه شهدای عالی‌قدر جنگ تحمیلی از رهبر شهید انقلاب تا دانش‌آموزان میناب را گرامی داشت و با برشمردن شاخص‌هایی که نمایانگر پیشرفت ایران هستند، گفت: «در

جنگ رمضان برخی شاخص‌های پیشرفت که وضعیت مثبت ایران را نشان می‌دهند، آشکار شد؛ قدرت دفاعی، استحکام ساخت سیاسی و تاب‌آوری نسبی اقتصادی.» وی با بیان اینکه بر پایه وجود این شاخص‌ها در ایران، «اگر دشمن عقل و تدبیری داشت و از وضعیت واقعی این شاخص‌ها در جامعه و حکمرانی ایران آگاه می‌بود، شاید اقدام به تهاجم نظامی علیه ایران نمی‌کرد.» خواستار بهره‌گیری از فرصت ایستادگی مقابل دشمن در جنگ رمضان برای بازطراحی رتبه‌بندی‌های بین‌المللی کشورهای در دست‌بندی‌هایی چون «توسعه‌یافته»، «در حال توسعه»، «پیشرو» و مانند اینها شد و گفت: «ارزیابی‌های کشور برای دست‌بندی آنها از سوی سازمان‌های متعدد خارجی و بین‌المللی بر اساس شاخص‌های معینی صورت می‌گیرد، اما اکنون برهمگان آشکار شده است که این شاخص‌ها برای بازنامایی وضعیت



## در جنگ

## رمضان برخی

## شاخص‌های

## پیشرفت

## که وضعیت

## مثبت ایران

## را نشان

## می‌دهند،

## آشکار شد؛

## شاخص‌هایی

## چون

## همگرایی

## ملی، قدرت

## دفاعی،

## استحکام

## ساخت

## سیاسی و

## تاب‌آوری

## نسبی

## اقتصادی

کرد. در ادامه می‌تواند اصلاحات صورت گرفته روی این شاخص‌ها، از طریق وزارت امور خارجه و سایر مراجع ذی‌ربط، در اختیار نهادهای بین‌المللی قرار گیرد.»

«اگر سازمان‌های بین‌المللی به این اصلاحات توجه لازم را داشته باشند که مطلوب است؛ در غیر این صورت، می‌توان به موازات این اقدام، این اصلاحات در پیشرفت، از متخصصان رشته‌های مختلف تقاضا کرد در راستای نقد و اصلاح این شاخص‌ها در سطح بین‌المللی اهتمام ورزند و گفت: مشابه دنبال کرد تا شاخص‌های علمی مناسبی برای رتبه‌بندی جدید کشورها تهیه شود.»

وی به تجربه موفق از ارائه پیشنهادها اصلاحی ایران به سازمان ملل و توجه به این اصلاحات در این سازمان اشاره

کرد و گفت: «در اوایل دهه ۱۳۸۰، کمیته‌ای با حکم رئیس‌جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت تشکیل شد که شاخص‌های رتبه‌بندی کشورها در حوزه‌های فرهنگ، علم، آموزش و فناوری را تدوین و این حوزه‌ها را بر پایه آن شاخص‌ها در سطوح خرد و کلان ملی ارزیابی کرد. نتایج علمی این گزارش‌ها در قالب کتابچه‌ای در سطح بین‌المللی منتشر و به سازمان ملل هم ارسال شد. آن نهاد گزارش ایران را پذیرفت و آمارهای کشور را در کتاب سالنامه سازمان ملل اصلاح کرد؛ هرچند متأسفانه این روند استمرار نیافت.»

رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بیان اینکه «بسیاری از شاخص‌های پیشرفت که در جنگ رمضان عیان شد، قابلیت پذیرش



جهانی دارند»، اظهار کرد: «به عنوان مثال ساموئل هانتینگتون اندیشمند سیاسی آمریکایی، استقلال قدرت دفاعی را جزو شاخص‌های هفت‌گانه توسعه کشورها برمی‌شمارد. بنابراین می‌توان روی این زمینه کار کرد.»

اسلامی ایرانی پیشرفت، که با حضور اندیشمندان داخلی و خارجی، استادان دانشگاه، پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علمی برگزار شد، استادان و پژوهشگران ایرانی و خارجی تازه‌ترین دیدگاه‌ها و مقالات خود را درباره موضوع «همگرایی و پیشرفت» ارائه کردند.

به گفته هادی اکبرزاده، دبیر این کنفرانس، مقاله به دبیرخانه کنفرانس ارسال شد که پس از داوری علمی، ۸۲ مقاله برای ارائه پذیرفته شد.







چرا جنگ با ایران برای آمریکا نتیجه مشابهی مثل ویتنام خواهد داشت؟

# میراث شکست

## از جانسون و نیکسون تا ترامپ

### یادداشت



سردبیر سابق فارن افروز

دولت ترامپ تنها در دو ماه، تمام پنج سال سیاست دولت جانسون در جنگ ویتنام را طی کرده است؛ ورود به جنگ، تشدید آن، بن بست ناامیدکننده و سپس ورود به مذاکرات. اکنون این روند وارد مرحله‌ای شبیه دوره نیکسون شده است؛ یعنی ابتدا رضایت‌بخش. اگر این سرعت ادامه پیدا کند، مداخله در ایران احتمالاً ظرف چند ماه آینده پایان خواهد یافت؛ زمانی که در سرنشها و انتقادهای همین حالا هم آغاز شده‌اند. البته هیچ مقایسه تاریخی کاملاً دقیق نیست و تفاوت‌های واضح زیادی میان جنگ ایران و ویتنام وجود دارد با این حال، شباهت‌های ساختاری قابل توجهی میان این دو درگیری وجود دارد. جنگ آمریکا در سال ۱۹۷۲ با یک توافق مصالحه‌ای و ناپایدار پایان می‌یابد؛ توافقی که بخشی از مسائل را حل می‌کند اما بسیاری از موضوعات مهم را باقی می‌گذارد، از جمله آینده ایران و برنامه هسته‌ای این کشور. در مقابل، جنگ اوکراین مانند جنگ کره احتمالاً به یک توافق تثبیت‌کننده منجر می‌شود که خطوط فعلی درگیری را عملاً منجمد می‌کند؛ با مرزهایی که تحت یک آتش بس طولانی و نسبتاً پایدار باقی می‌ماند، حتی اگر حل نهایی اختلافات رخ ندهد.

«نصف‌راه» با جانسون در نوامبر ۱۹۶۲، رهبران ویتنام جنوبی و ایالات

متحد ترو شدند و این موضوع باعث شد لیدون جانسون ناگهان مسئولیت دو کشور بحران زده را برعهده بگیرد. در ویتنام، نیروهای شمالی که انگیزه و رهبری خوبی داشتند، همراه با نیروهای چرکی خود در جنوب، به تدریج در حال پیشروی علیه دولت ناتوان ویتنام جنوبی بودند. اگر واکنش‌گتن اقدامی برای تغییر این روند در نهایت سقوط کند و کشور تحت کنترل کمونیست‌ها دوباره متحد شود. جانسون و تیشم چندین بار پیروزی در جنگ خوش بین نبودند، اما از پیامدهای داخلی و بین‌المللی شکست در آن می‌ترسیدند. بنابراین تصمیم گرفتند حمایت از سایگون را افزایش دهند، به این امید که نمایش قدرت باعث عقب‌نشینی هانوی شود. در ابتدا این به معنای ارسال کمک‌های اقتصادی و مستشاران نظامی بود. سپس به بمباران آنجامید، بعد اعزام نیروهای زمینی و در نهایت افزایش بیشتر همه این اقدامات. با این حال، هانوی بر اهداف اصلی خود پافشاری کرد و تسلیم نشد. تا سال ۱۹۶۸، جنگ آتشد از نظر انسانی و مالی پرهزینه‌ترین شده بود و چنان آشفتگی داخلی در آمریکا ایجاد کرده بود که واشنگتن به دنبال راهی برای خروج از آن گشت. خود جانسون هرگز شکست را نپذیرفت، اما روند تشدید جنگ را متوقف کرد، دستور توقف یک‌جانبه بمباران را صادر کرد، از زندگی سیاسی کناره‌گیری کرد و مسأله را به جانشین خود منتقل نمود. این کار به ریچارد نیکسون رسید؛ کسی که همراه با مشاور امنیت ملی اش، هنری کیسینجر، یک الزام اساسی را به ارث برد؛ پایان دادن به جنگ، اما بدون داشتن سرمایه سیاسی کافی برای ماجراجویی‌های جدید. نه نیکسون و نه کیسینجر هرگز به رها کردن سایگون فکر نمی‌کردند، اما هدفشان بازسازی روابط

باید نسبتاً زود از جنگ خارج شود. در ابتدا تلاش کردند اهداف قدیمی را با ترکیبی جدید از زور و تهدید به دست آورند. آنها امیدوار بودند که با بمباران‌های شدید و تهدیدهای تند، ویتنام شمالی مرعوب شود، اتحاد جماهیر شوروی و چین به کمک وادار شوند و افکار عمومی آمریکا با کاهش‌های کوچک نیروها آرام بگیرد؛ و در مجموع این عوامل به توافقی منجر شود که خروج آمریکا، بقای ویتنام جنوبی و کنار کشیدن ویتنام شمالی را ممکن کند. این دوره‌ای بود که رئیس دفتر کاخ سفید، اچ. آر. هالدمن، بعدها در خاطراتش آن را جاودانه کرد: [نیکسون] مطمئن بود که می‌تواند ویتنام شمالی را - سرانجام - به پای میز مذاکرات صلح واقعی بکشاند. از نظر او، کلید کار «تهدید» بود و نیکسون برای این نظریه یک عبارت ساخت. او گفت: «من به آن می‌گویم نظریه مرد دیوانه، می‌خواهم ویتنام شمالی باور کند که من به نقطه‌ای رسیده‌ام که برای پایان دادن به جنگ ممکن است هر کاری انجام دهم. فقط کافی است این حرف را به گوششان برسانیم که: «به خدا، نیکسون درباره کمونیسم وسواس دارد. وقتی عصبانی می‌شود نمی‌توانیم مهارش کنیم.» اما این راهبرد شکست خورد. شوروی یا نمی‌توانست یا نمی‌خواست فشار کافی بر ویتنام شمالی وارد کند تا آنها را به پذیرش یک توافق وادار کند. کمونیست‌ها نه فروپاشیدند و نه عقب‌نشینی کردند و جنگ ادامه یافت. ناامیدی در کاخ سفید بیشتر شد. در نهایت، نیکسون و کیسینجر به یک راهبرد دوم برای خروج از جنگ رسیدند؛ ترکیبی از خروج تدریجی نیروهای آمریکا و تلاش جدی برای رسیدن به یک توافق آبرومندانه از بحران مثل کاری که جانسون در ویتنام انجام داد، دونالد ترامپ نیز وارد جنگ با ایران شد.



هواپیمای ارتش متحده در پایگاه آمریکا در عربستان مارس ۲۰۲۴

حمله‌های هوایی اسرائیل و آمریکا در ژوئن ۲۰۲۵ خسارتی به برنامه هسته‌ای ایران وارد کرده بود، اما پس از آن جمهوری اسلامی ایران شروع به بازسازی توان نظامی متعارف خود کرد؛ امری که آمریکا و اسرائیل را نگران کرد، زیرا تصور می‌کردند این روند در نهایت یک سپر قدرتمند ایجاد می‌کند. ترامپ با این تصور که یک حمله می‌تواند حکومت ایران را سرنگون کرده و مسأله را یک‌بار برای همیشه حل کند، وارد عمل شد و با حمله مشترک نیروهای آمریکا و اسرائیل در فوریه موافقت کرد. این حملات باعث شد ایران به کشورهای منطقه خلیج فارس حمله متقابل کند و با ایجاد محدودیت در عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز، باعث یک بحران جهانی انرژی شود. در آوریل، ترامپ ناامید از نقش جانسون خارج شد و وارد نقش نیکسون شد؛ یعنی راهبردی مبتنی بر فشار بیشتر، اولتیماتوم‌ها، تهدیدها و در عین حال پیشنهاد مذاکره. این بازگشت به رویکرد «مرد دیوانه» باعث شد در ۸ آوریل آتش‌بس برقرار شود و مذاکرات مستقیمی میان مقامات آمریکا و ایران با میانجی‌گری پاکستان آغاز کرد. اما این روند به امتیازهای مورد انتظار نرسید. تنگه هرمز همچنان بسته ماند و فاصله موضوع دو طرف زیاد بود. ترامپ که هرگز برای یک جنگ طولانی برنامه‌ریزی نکرده بود و با افزایش هزینه‌ها و کاهش حمایت داخلی روبرو شده بود، اکنون به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه از بحران است؛ مشابه همان وضعیتی که نیکسون و کیسینجر در اوایل دهه ۱۹۷۰ داشتند.

اما ایرانی‌ها سرسختانه مقاومت می‌کنند و روی این حساب باز کرده‌اند که می‌توانند در یک «رقابت تحمل رنج» پیروز شوند. به نظر می‌رسد نتیجه نهایی احتمالاً توافقی باشد که جنگ را متوقف کند، عبور و مرور دریایی را از سر بگیرد، اما بسیاری از مسائل اصلی را حل نشده یا به آینده موکول کند. همان‌طور که سرنوشت ویتنام جنوبی بعدها مشخص شد، آینده برنامه هسته‌ای ایران به زمانی دیگر واگذار خواهد شد. زمانی که دولت ترامپ به نقطه اشتراک با جمهوری اسلامی برسد، آمریکا خواسته‌های اسرائیل و کشورهای خلیج فارس برای سخت‌گیری بیشتر را کنار خواهد زد و آنها را کنار خواهد گذاشت. این روزها حرف‌های زیادی زده می‌شود مبنی بر اینکه ناگامی واشنگتن در رسیدن به اهدافش در ایران نشانه‌ای از یک افول اجتناب‌ناپذیر و گسترده‌تر قدرت آمریکا است. «چین به‌طور فزاینده‌ای آمریکا در دوران ترامپ بر فشار بیشتر، اولتیماتوم‌ها، تهدیدها و در عین حال پیشنهاد مذاکره. این بازگشت به رویکرد «مرد دیوانه» باعث شد در ۸ آوریل آتش‌بس برقرار شود و مذاکرات مستقیمی میان مقامات آمریکا و ایران با میانجی‌گری پاکستان آغاز کرد. اما این روند به امتیازهای مورد انتظار نرسید. تنگه هرمز همچنان بسته ماند و فاصله موضوع دو طرف زیاد بود. ترامپ که هرگز برای یک جنگ طولانی برنامه‌ریزی نکرده بود و با افزایش هزینه‌ها و کاهش حمایت داخلی روبرو شده بود، اکنون به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه از بحران است؛ مشابه همان وضعیتی که نیکسون و کیسینجر در اوایل دهه ۱۹۷۰ داشتند.

منبع: ForeignAffairs

### A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۶۸) **ولیم کتیلند** ترجمه: **عسکر قهرمانپور**

#### دوران ترکان جوان و مشروطه خواهان ایرانی

دوره جوانان ترک، از ۱۹۰۸ تا فروپاشی عثمانی در ۱۹۱۸، شاهد رویارویی مستقیم تمام روندهای قرن گذشته بود. به آشفتگی‌های موجود، پیشنهادهایی برای شکل‌های جدید هویت فرهنگی و سیاسی افزوده شد که با ایدئولوژی غالب عثمانی گرایسی در تضاد بود. وضعیت در ایران نیز به همان اندازه پراشوب بود، زیرا کشور با انقلاب، جنگ داخلی و اشغال خارجی روبرو شد. رویدادهای خاورمیانه در پس‌زمینه تغییرات نظم بین‌المللی جدید رخ می‌داد؛ نظمی که هم وعده‌هایی برای منطقه به همراه داشت و هم خطرناکی جدی. یکی از جنبه‌های امیدوارکننده این نظم جدید، ظهور ژاپن به‌عنوان یک قدرت نظامی مدرن بود. در کمتر از پنجاه سال، ژاپن از جامعه‌ای فئودالی و غیرمتمرکز به ملتی یکپارچه و پیشرفته از نظر فناوری تبدیل شد، به طوری که نهادهایی را بنیان نهاد که در هسته موفقیت‌های اروپایی قرار داشتند؛ یک قانون اساسی (۱۸۸۹) و یک ارتش مدرن. وضعیت جدید ژاپن با پیروزی قاطع آن بر روسیه در جنگ ۱۹۰۵-۱۹۰۴ تأیید شد؛ پیروزی‌ای که به‌طور گسترده‌ای به عنوان نماد پیروزی آسیا بر اروپا جشن گرفته شد. الگوی ژاپن برای فعالان اصلاح‌طلب در خاورمیانه، هم منبع حسادت و هم الهام بود؛ بسیاری از آنان، آن را نشانه‌ای از آنچه ممکن بود - در واقع آنچه لازم بود - می‌دانستند، اگر قرار بود سلطه اروپا به چالش کشیده شود. در فضای سیاسی متحول اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تحولات در نظام اتحاد‌های بین‌المللی زنگ خطر برای رهبران عثمانی و ایرانی به صدا درآورد و ضرورت اصلاحات نظامی را بیش از پیش آشکار ساخت. قدرت‌یابی فزاینده آلمان و واکنش بریتانیا نسبت به این تحول، از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده تغییرات در توازن قدرت به شمار می‌آمدند. آلمان در چهارچوب اتحاد سه‌گانه‌ای که توسط بیسمارک در سال ۱۸۸۲ تکمیل شده بود، با اتریش، مجارستان و ایتالیا پیمانای دفاعی منعقد کرد؛ اتحادی که تا آغاز جنگ جهانی اول پابرجا ماند. در واکنش به این اتحاد، فرانسه در سال ۱۸۹۴ با روسیه پیمان اتحاد امضا کرد. بریتانیا که تا آن زمان از ورود به اتحادهای قاره‌ای پرهیزی می‌کرد، با افزایش صنعتی و دریایی از سوی آلمان، ناگزیر شد سیاست سنتی انزواطلبانه خود را بازنگری کند. نتیجه این تغییر رویکرد، توافقی غیررسمی میان بریتانیا و فرانسه بود که در سال ۱۹۰۴ تحت عنوان توافق دوستانه شکل گرفت. این توافق، منازعات استعماری دیرینه میان دو کشور را خاتمه داد؛ فرانسه سطره بریتانیا بر مصر را به رسمیت شناخت و در مقابل، بریتانیا نیز موقعیت ممتاز فرانسه در مراکش را پذیرفت. این اتحاد دو جانبه در سال ۱۹۰۷ با برقراری تفاهم میان بریتانیا و روسیه، به اتحاد سه‌گانه گسترش یافت. تفاهمنامه انگلستان-روسیه عمدتاً بر حل منازعات دیرپای دو کشور در آسیای میانه، بویژه ایران، متمرکز بود. بر اساس این توافق، ایران به حوزه‌های نفوذ تقسیم شد: شمال کشور تحت سلطه روسیه، جنوب-شرقی آن در حوزه نفوذ بریتانیا و منطقه مرکزی به‌طور رسمی بی‌طرف اعلام شد. با این حال، هرگاه منافع قدرت‌های مذکور ایجاب می‌کرد، بی‌طرفی منطقه مرکزی نیز به راحتی نقض می‌شد. این تحولات نه‌تنها اهمیت فزاینده خاورمیانه در سیاست قدرت‌های جهانی را نشان داد، بلکه حاکی از آن بود که قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عثمانی ناگزیر از بازنگری در ساختار نظامی و دیپلماتیک خود بودند تا بتوانند در برابر روند سلطه‌جویانه خارجی مقاومت کنند.



## همراه با مردم؛ پایرجا در میدان

**آگهی مناقصه عمومی**

شرکت تولید رنگ سپاه در نظر دارد موارد مورد نیاز ذیل را از طریق مناقصه عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. متقاضیان جهت اطلاع بیشتر به آدرس وبسایت شرکت به نشانی [www.kswco.com](http://www.kswco.com) مراجعه فرمایند.

- تأمین قطعات بدکی کمپرسور چیلر جهت سایت خرمشهر
- تأمین ترانس جوش‌های AC ایده ال جهت سایت خرمشهر
- اجاره ۶ دستگاه لیفتراک بدون راننده جهت سایت خرمشهر

به‌دین وسیله از کلیه صاحبان سهام گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام) یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده صاحبان سهام برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام) به شماره ثبت ۱۸۵۵۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۷۰۰۸ بدین و سبیله از کلیه صاحبان سهام گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام) یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ در محل تهران خیابان ولیعصر (عج) بالاتراز میدان ونک خیابان عطار پلاک ۱۰ طبقه (۱۰) مطابق دستور جلسه ذیل تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

**دستور جلسه:**

- ۱- استماع گزارش فعالیت هیأت‌مدیره شرکت درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- ۲- استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت درخصوص صورت‌های مالی حسابرسی شده سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- ۳- بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- ۴- تعیین حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
- ۵- تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره شرکت
- ۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت
- ۷- سایر موارد قابل طرح و در صلاحیت مجمع عمومی عادی

هیأت‌مدیره گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام)

**آگهی مناقصه عمومی**

شرکت نفت پارس در نظر دارد طراحی، تأمین، ساخت، نصب و راه‌اندازی برج خنک‌کننده مرطوب فایبر گلاس (FRP) خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وبسایت رسمی شرکت به آدرس: <http://www.parsoilco/ia/tender.html> مراجعه فرمایند.

مهلت برای پاکت پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

**تذکرات مهم:**

- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد اطمینان یا مهتر، مهتم، فاقد تضمین اسپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
- شرکت در د ر با قبول پیشنهادها مختار است.

**مناقصه عمومی**

شرکت پتروشیمی بوعلی سینا در نظر دارد تأمین ۹۰،۰۰۰ تن خوراک بنزین پیرولیز مجتمع خود را واقع در ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی سایت ۴ از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به اشخاص توانمند و واجد شرایط در این زمینه واگذار نماید.

- ۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه، ده روز پس از انتشار نوبت دوم آگهی به نشانی مندرج در بند ۵
- ۲- آخرین مهلت تسلیم پاکت‌های مناقصه (الف، ب، ج) ده روز پس از خاتمه مهلت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مندرج در بند ۵
- ۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱،۳۹۸،۵۹۹،۳۴۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا سپرده نقدی دروجه شرکت پتروشیمی بوعلی سینا می‌باشد.
- ۴- زمان گشایش پاکت‌های مناقصه: زمان گشایش متعاقباً اعلام می‌گردد.
- ۵- متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه بعد از انتشار آگهی به نشانی سایت اینترنتی شرکت پتروشیمی بوعلی سینا به نشانی [WWW.BSPC.IR](http://WWW.BSPC.IR) مراجعه نمایند.

روابط عمومی پتروشیمی بوعلی سینا













## محمد مهدی رحمتی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان در گفت‌وگو با «ایران»:

# قهرمانان در «میدان» اجتماعی رشد می‌کنند

## ورزشکاران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و همبستگی اجتماعی دارند

**مهری زنجیر/ هنگامی که ستاره‌های ورزشی در میدان رقابت می‌درخشند، جامعه به‌طور ناخودآگاه از آنان انتظار دارد که فراتر از عرصه ورزش، در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌آفرین باشند. این نقش‌آفرینی، نه تنها بر اعتبار حرفه‌ای آنان می‌افزاید، بلکه نام‌شان را در حافظه تاریخی یک ملت ماندگار می‌کند. نمونه برجسته‌ترین آنها، جهان‌پهلوان تختی است؛ قهرمانی که صرفاً به افتخاراتش روی تشک کشتی محدود نماند، بلکه در بزنگاه‌هایی**

«مسئولیت‌اجتماعی ورزشکاران»

چگونه‌قابل‌تعریف‌است؟

در جامعه‌شناسی، درباره کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی یک دیدگاه واحد وجود ندارد. برخی نظریه‌ها بر «کنش اجتماعی» تأکید دارند و برای کنشگران در عرصه‌های مختلف جامعه نقش و عاملیت قائل‌اند. در مقابل، دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که کنش‌ها را عمدتاً محصول ساختارهای نهادی و الزامات سازمانی می‌دانند و نقش چندان‌ی برای عاملیت فردی قائل نیستند.

من به‌عنوان یک پژوهشگر اجتماعی، به دیدگاه «پیر بودیو» نزدیک‌تر هستم. براساس این نگاه، نمی‌توان عاملیت و ساختار را کاملاً از هم جدا کرد؛ هرچند در سطح نظری می‌توان از تمایز میان این دو سخن گفت. در واقع، این دو وجود داشته‌اند؛ ساختارهای اجتماعی وجود دارند، اما خود محصول کنش‌های انسانی‌اند.

در مورد مسئولیت اجتماعی ورزشکاران

نیز همین منطق صادق است. قهرمانان

در یک «میدان» اجتماعی رشد می‌کنند،

هنجارها و رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند

و سپس به‌عنوان یک کنشگر می‌توانند

این خلاقیت و توانایی در این میدان عمل

کنند. بنابراین، مسئولیت اجتماعی هم

نوعی کنش اجتماعی است و هم متأثر از

ساختارهای نهادی ورزشی.



نکته مهم در پرسش شما تأکید بر «بیشتربودن» است. میزان برجستگی عاملیت یا ساختار به بستری اجتماعی بستگی دارد. در جوامع مردم‌سالار، امکان کنشگری افراد، بویژه چهره‌های برجسته در ورزش، فرهنگ و اقتصاد، بیشتر است. در مجموع، هر دو بعد کنشگری و ساختار را باید در تحلیل مسئولیت اجتماعی ورزشکاران در نظر گرفت، و هرچند وزن هرکدام ممکن است در جوامع مختلف متفاوت باشد.

ورزشکاران در چهارچوب نظریه سرمایه اجتماعی چه نقشی در ایجاد و تقویت اعتماد در جامعه دارند؟

می‌توان مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نوعی پاسخ به سرمایه اجتماعی دانست که در این سوئو جامعه در اختیار آنها قرار گرفته است. مؤلفه‌هایی مانند شهرت، محبوبیت، افتخارآفرینی و مهم‌تر از همه «اعتماد»، نوعی سرمایه اجتماعی هستند که جامعه در قبال عملکرد ورزشی و ایجاد شادی و غرور ملی به ورزشکاران اعطا می‌کند.

این اعتماد، نوعی انتظار نیز به همراه دارد. جامعه از قهرمانان خود انتظار دارد که علاوه بر موفقیت در میدان ورزشی، در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌آفرینی کنند. بخشی از این انتظار ناشی از تعریفی است که جامعه از جایگاه ورزشکاران دارد و بخشی دیگر ریشه در سنت‌های تاریخی و فرهنگی ایران دارد.

در فرهنگ ایرانی، مفهوم «پهلوان» صرفاً به موفقیت ورزشی محدود نمی‌شود، بلکه با ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی مثبت همراه است.

از این‌رو، انتظار می‌رود ورزشکاران پیش از درخشش ورزشی، این ویژگی‌ها را نیز در خود پرورش دهند.

در سطح جهانی نیز ورزشکاران، بویژه در میان نوجوانان و جوانان، تأثیرگذاری قابل‌توجهی دارند؛ زیرا این گروه‌های سنی در مرهله‌ای از زندگی هستند که به دنبال هویت‌یابی، پذیرش مسئولیت اجتماعی و یافتن الگوهای مناسب می‌گردند.

چون زلزله بوبین زهرا، با بسیج کمک‌های مردمی به یاری آسیب‌دیدگان شستافت. همین کنش‌ها بود که او را در ذهن و دل مردم ایران-حتی نسل‌هایی که هرگز او را از نزدیک ندیده‌اند-به «جهان‌پهلوان» تبدیل کرد. به بهانه بررسی ابعاد گوناگون مسئولیت اجتماعی ورزشکاران و تأثیر پیامدهای مثبت و منفی آن در جامعه با دکتر محمد مهدی رحمتی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید.

تا چه حد می‌توان از یک ورزشکار انتظار داشت که فراتر از میدان ورزش نقش ایفا کند. بدون اینکه ما این انتظارها به فشار

بیش از حد تبدیل شود؟

در هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ آن، نوعی انتظار و مسئولیت اجتماعی برای ورزشکاران تعریف می‌شود. این انتظارات همیشه یکسان نیستند و حتی در درون میدان ورزش نیز، به دلیل تفاوت میان فدراسیون‌ها و رشته‌های مختلف، شاهد شکل‌های متفاوتی از کنشگری ورزشکاران هستیم. در ادبیات ورزشی، مفهومی به نام «واماندگی» وجود دارد؛ وضعیتی که در آن، فشار بیش از حد تمرینات و مسابقات، ورزشکار را دچار خستگی، دل‌زدگی و فرسودگی می‌کند.

هرچند ورزش کردن شغل ورزشکار است، اما اگر حجم فشارها از حدی فراتر رود، او ممکن است دیگر توان و انگیزه ادامه نداشته باشد. این وضعیت در مورد نقش‌های اجتماعی وجود صدق می‌کند. در ایران نمونه‌هایی وجود داشته که پس از موفقیت یک ورزشکار، نهادها و مختلف ورزشی مسئولیت تلاش کرده‌اند از شهرت او برای انتقال پیام‌های مورد نظر خود استفاده کنند. در چنین شرایطی، ورزشکار ممکن است دچار نوعی واماندگی اجتماعی شود؛ به‌طوری‌که نه تنها از نقش‌های اجتماعی فاصله بگیرد، بلکه حتی انگیزه ادامه فعالیت ورزشی را نیز از دست بدهد و تا مرز کناره‌گیری پیش برود.

آیا انتظار اینکه ورزشکاران از نظرمالی

با جامعه‌همراهی کنند(مثلاً بخشی از درآمد خود را بایشند)، منطقی و قابل

دفاع است؟

ورزشکاران می‌توانند از راه‌های مختلفی به جامعه کمک کنند و این کمک‌ها لزوماً محدود به کاهش دستمزدها یا انصراف از درآمد نیست. برای مثال، مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه مانند کمک به آزادی زندانیان مالی، حمایت از افراد نیازمند، ساخت مدرسه، بیمارستان یا فضاهای ورزشی و تأمین تجهیزات ورزشی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد.

انصراف از درآمد، از نظر اخلاقی ممکن است اقدامی ارزشمند و نشانه‌ای واقع‌گرایانه همیشه قابل انتظار نیست. بویژه در شرایطی که جامعه با چالش اقتصادی، نوسانات شدید و فشارهای معیشتی مواجه است، حتی خود ورزشکاران نیز از این وضعیت تأثیری می‌پذیرند.

در چنین شرایطی، به‌جای تأکید صرف بر کاهش درآمد، بهتر است بر نقش فعال ورزشکاران در مسئولیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه تمرکز شود. این نوع مشارکت‌ها هم با مفهوم مسئولیت اجتماعی سازگارتر است و هم اثرگذاری ملموس‌تری دارد. از سوی دیگر، جامعه نیز از ورزشکاران انتظار دارد که نسبت به مسائل اجتماعی حساس باشند و نقش فعالی ایفا کنند. وقتی ورزشکاران در چنین فعالیت‌هایی مشارکت می‌کنند، نوعی حسن‌انیت و حمایت در میان مردم شکل می‌گیرد و نگاه عمومی به آنها مثبت‌تر می‌شود. همچنین این اقدامات می‌تواند احساس نارضایتی را تعدیل کند. گاهی ارقام بالای درآمد ورزشکاران باعث واکنش منفی هواداران می‌شود، اما وقتی مردم از فعالیت‌های خیرخواهانه آنها آگاه می‌شوند، این حس تاحدی تلطیف‌شده و حتی به استقبال و حمایت تبدیل می‌شود.

ناراپری در حوزه دستمزدها چه تأثیری بر تصویر اجتماعی و رابطه ورزشکاران با مردم دارد؟

این مسأله فقط به ایران محدود نیست. بر این مثال، در انگلستان حدود ۶۰ تا ۷۰ سال پیش و پس از جنگ جهانی، با حرفه‌ای شدن ورزش، فاصله اجتماعی میان ورزشکاران و هواداران به‌تدریج افزایش یافت. با افزایش درآمد ورزشکاران، سطح زندگی آنها از میانگین جامعه فاصله گرفت و به نوعی دچار تحرک صعودی اقتصادی شدند.

این تغییر، رابطه پیشین میان ورزشکاران و مردم را درگون کرد. امروزه بسیاری از ستاره‌های ورزشی در شرایط متفاوت از عموم جامعه زندگی می‌کنند؛ از جمله داشتن محافظ، سکونت در مناطق خاص و بهره‌مندی از حقوق و مزایای بالا. این وضعیت نوعی فاصله



کنش‌ها تا چه حد می‌توانند بر

سرنوشت اجتماعی و حرفه‌ای ورزشکاران تأثیر بگذارند؟

رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی و بازتولید تصویر اجتماعی ورزشکاران دارند. این نقش می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی.

در برخی موارد، ورزشکاری که در اربفای نقش اجتماعی خود دچار مشکل یا حتی به‌کج‌روی منتهم شده، تحت تأثیر پوشش رسانه‌ای به‌شدت آسیب دیده است. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که پس از مدتی مشخص شده فرد بی‌گناه بوده، اما خود او گفته نحوه برخورد رسانه‌ها باعث پایان یافتن دوران حرفه‌ای‌اش شده و دیگر بازگشتی برایش وجود نداشته است.

در مقابل، مواردی وجود دارد که رسانه‌ها نقش مثبتی ایفا کرده‌و به بازسازی تصویر یک ورزشکار کمک کرده‌اند تا دوباره به میدان بازگردد و فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دهد.

نکته مهم دیگر این است که رسانه‌ها نه تنها با برجسته‌سازی، بلکه با نادیده گرفتن نیز تأثیرگذارند. برخی ستاره‌های ورزشی که سال‌ها در مرکز توجه رسانه‌ها بوده‌اند، با حذف ناگهانی از این فضا، دچار بحران هویتی می‌شوند.

در مقابل، نمونه‌هایی نیز وجود دارد که رسانه‌ها با پرداختن دوباره به وضعیت یک ورزشکار، زمینه بازگشت او به زندگی عادی را فراهم کرده‌اند. برای مثال، در مورد یکی از اسطوره‌های فوتبال آلمان که دچار مشکلات جدی شده بود، توجه رسانه‌ها باعث شد باشگاه سابقش وارد عمل شود، او را تحت درمان قرار دهد و حتی مسئولیتی به او واگذار کند تا بتواند دوباره نقش اجتماعی خود را ایفا کند.

رسانه‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ساخت، بازتابی و حتی بازسازی مسئولیت اجتماعی ورزشکاران دارند. این نقش می‌تواند به تقویت جایگاه اجتماعی یک منجر یا برعکس، به تضعیف و حتی حذف آنها از عرصه حرفه‌ای و اجتماعی منتهی شود.

رسانه‌ها تا چه حد می‌توانند بر سرنوشت اجتماعی و حرفه‌ای

ورزشکاران تأثیر بگذارند؟ رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی و بازتولید تصویر اجتماعی ورزشکاران دارند. این نقش می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی.

در برخی موارد، ورزشکاری که در اربفای نقش اجتماعی خود دچار مشکل یا حتی به‌کج‌روی منتهم شده، تحت تأثیر پوشش رسانه‌ای به‌شدت آسیب دیده است. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که پس از مدتی مشخص شده فرد بی‌گناه بوده، اما خود او گفته نحوه برخورد رسانه‌ها باعث پایان یافتن دوران حرفه‌ای‌اش شده و دیگر بازگشتی برایش وجود نداشته است.

در مقابل، مواردی وجود دارد که رسانه‌ها نقش مثبتی ایفا کرده‌و به بازسازی تصویر یک ورزشکار کمک کرده‌اند تا دوباره به میدان بازگردد و فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دهد.

نکته مهم دیگر این است که رسانه‌ها نه تنها با برجسته‌سازی، بلکه با نادیده گرفتن نیز تأثیرگذارند. برخی ستاره‌های ورزشی که سال‌ها در مرکز توجه رسانه‌ها بوده‌اند، با حذف ناگهانی از این فضا، دچار بحران هویتی می‌شوند.

در مقابل، نمونه‌هایی نیز وجود دارد که رسانه‌ها با پرداختن دوباره به وضعیت یک ورزشکار، زمینه بازگشت او به زندگی عادی را فراهم کرده‌اند. برای مثال، در مورد یکی از اسطوره‌های فوتبال آلمان که دچار مشکلات جدی شده بود، توجه رسانه‌ها باعث شد باشگاه سابقش وارد عمل شود، او را تحت درمان قرار دهد و حتی مسئولیتی به او واگذار کند تا بتواند دوباره نقش اجتماعی خود را ایفا کند.

رسانه‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ساخت، بازتابی و حتی بازسازی مسئولیت اجتماعی ورزشکاران دارند. این نقش می‌تواند به تقویت جایگاه اجتماعی یک منجر یا برعکس، به تضعیف و حتی حذف آنها از عرصه حرفه‌ای و اجتماعی منتهی شود.

آیا بازتابی رسانه‌ای فعالیت‌های

اجتماعی ورزشکاران باعث افزایش

همبستگی اجتماعی می‌شود؟

شدن اخلاقی و شایسته‌ی شدن این

فعالیت‌ها را به دنبال می‌دارد؟

این پرسش بسیار مهم و ظریف است و پاسخ آن یک‌سویه نیست؛ هر دو حالت ممکن است رخ دهد. در این زمینه، تفاوت میان «صحنه» و «پشت‌صحنه» زندگی ورزشکاران اهمیت زیادی دارد. جامعه انتظار دارد ویژگی‌هایی مانند ریساکاری، دروغ‌گویی و کج‌روی در رفتار ورزشکاران دیده نشود. یکی از چالش‌های مهم، موضوع «اخلاق نمایشی» است؛ یعنی ورزشکار در ظاهر و در فضای عمومی از ارزش‌های اخلاقی سخن بگوید، اما در عمل و در زندگی واقعی خلاف آن رفتار کند. چنین وضعیت‌ی باعث کاهش اعتماد عمومی شده و به تضعیف سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود.

ورزشکاران نیز اگر فعالیت‌های اجتماعی خود را به‌طور طبیعی است. اما هواداران معمولاً آن در صرفاً یک تصمیم اقتصادی تلقی می‌کنند، نه تغییرواقی‌علاقه. بنابراین وقتی یک بازیکن، تمیش را تغییر می‌دهد، ممکن است واکنش‌های احساسی و منفی شدیدی می‌گیرد.

در مورد ورزشکاران نیز همین موضوع صادق است. اگر آنها در فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی مشارکت داشته باشند، فضای مثبتی پیرامون آنها ایجاد می‌شود و عملکردشان نه تنها در میدان ورزش، بلکه در عرصه اجتماعی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در مقابل، اگر سبک زندگی ورزشکاران پیش از حد برتجمیل، مصرف‌گرایی و نمایش ثروت متمرکز باشد، ممکن است واکنش منفی جامعه را به همراه داشته

باشد. در چنین شرایطی، حتی موفقیت‌های ورزشی آنها نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و مشروعیت اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد. گاهی جامعه این افراد را «تازه‌به‌دوران رسیده» تلقی می‌کند که گذشته خود را فراموش کرده‌اند.

اما در نقطه مقابل، ورزشکارانی که در فعالیت‌های خیرخواهانه مشارکت دارند، علاوه بر دستاوردهای مادی، از احترام و اعتبار اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند. این اقدامات می‌تواند به افزایش سرمایه‌نمادین و حتی مشروعیت اجتماعی آنها منجر شود.

این موضوع در برخی رشته‌ها مانند کشتی، پیشینه تاریخی و فرهنگی نیز دارد. در سنت پهلوانی، ورزشکاران علاوه بر مهارت ورزشی، در امور اجتماعی و کمک به مردم نیز فعال بودند. برای مثال، زورخانه‌ها رسم «گلریزان» وجود دارد که طی آن برای کمک به نیازمندان یا حل مشکلات افراد، کمک جمع‌آوری می‌شود. این سنت‌ها نه تنها به حل مسائل اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه موجب افزایش اعتبار و جایگاه اجتماعی ورزشکاران و حتی کل آن رشته ورزشی می‌شود.

ورزشکاران چه نقشی در شکل‌گیری هویت جمعی و افزایش همبستگی اجتماعی دارند، بویژه در جوامعی که با ناراپری در حوزه دستمزدها مواجهند؟ ورزشکاران نقش‌های متعددی دارند که یکی از مهم‌ترین

صادقانه نیز ممکن است با بدبینی مواجه شوند.

ورزشکاران فقط براساس یک اقدام خاص قضاوت نمی‌شوند، بلکه در چهارچوب کلی شخصیت، عملکرد و سبک زندگی‌شان ارزیابی می‌شوند. عوامل مختلفی، از زندگی خانوادگی تا فعالیت‌های حرفه‌ای، در این ارزیابی نقش دارند.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تا چه حد باید از سطح فردی به سطح سازمانی (باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها) منتقل شود؟

این پرسش یکی از چالش‌های مهم در بحث مسئولیت اجتماعی است و فقط به ورزش محدود نمی‌شود. در بسیاری از ساختارهای اجتماعی و سازمانی در ایران نیز چنین مسأله‌ای وجود دارد.

در گذشته، فعالیت‌های اجتماعی در قالب‌های سنتی و نهادینه شده انجام می‌شد؛ برای مثال، آیین «گلریزان» در زورخانه‌ها نمونه‌ای از کنش‌های اجتماعی سازمان‌یافته بود. اما در دوران جدید، این فعالیت‌ها بیشتر حالت فردی، مقطعی، هیجانی و گاهی نمایشی پیدا کرده‌اند که می‌تواند آسیب‌هایی به همراه داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مشکلات کنش‌های فردی، نبود پایداری و استمرار است. وقتی یک فعالیت به فرد وابسته باشد، با کنار رفتن آن فرد، آن فعالیت هم متوقف می‌شود. اما اگر این مسئولیت‌ها در قالب نهادها و ساختارهای مشخص تعریف شوند، حتی با تغییر افراد نیز ادامه پیدا می‌کنند. علاوه بر این، در سطح نهادی امکان نظارت، مدیریت و ارزیابی دقیق‌تر نیز وجود دارد.

نقد اصلی به فعالیت‌های فردی این است که احتمال بروز آسیب در آنها بیشتر است، زیرا نظارت مشخصی وجود ندارد. در برخی موارد دیده شده که افراد-با نیت خیر- اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کرده‌اند، اما نمود سازوکار شفاف، مشکلات حقوقی ایجاد کرده است. حتی در مواردی سوءاستفاده‌هایی نیز رخ داده، هرچند این افراد لزوماً ورزشکار نبوده‌اند.

مسأله اصلی، فرد نیست، بلکه نوع کنش و نود ساختار مناسب برای انجام آن است؛ در حالی که این فعالیت‌ها در قالب سازمانی انجام شوند، همه چیز-نخوه جمع‌آوری کمک‌ها تا نخوه هزینه‌کرد- شفاف‌تر و نظارت‌شده خواهد بود. با وجود همه اقدامات مثبت و خیرخواهانه‌ای وارد است که بسیاری از این فعالیت‌ها فردی نبوده‌اند. بنابراین لازم است این کنش‌ها با برنامه‌ریزی، مطالعه و در نظر گرفتن همه جوانب، به سطح نهادی و سازمانی منتقل شوند تا هم اثربخشی بیشتری داشته باشند و هم از آسیب‌ها و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود.

چگونه می‌توان مسئولیت اجتماعی

در ورزش را از کارهای فردی و داوطلبانه

به یک برنامه‌ی پایدار و سازمان‌یافته

تبدیل کرد؟

برای تحقق این هدف، نیاز به مجموعه‌ای از اقدامات قانونی، حقوقی و مدیریتی وجود دارد. به این معنا که در سازمان‌های ورزشی و مجموعه‌های اجتماعی باید چهارچوب‌ها و دستورالعمل‌های مشخصی تدوین شود تا فعالیت‌های اجتماعی در قالب آنها انجام گیرد. در چنین شرایطی، ورزشکاران می‌توانند همچنان نقش مهمی ایفا کنند، اما این نقش از طریق «بازتابی‌گیری میدان ورزش» و در بستر نهادهای رسمی ورزشی شکل می‌گیرد. این امر باعث می‌شود فعالیت‌های اجتماعی از حالت مقطعی و پراکنده خارج و به شکل تثبیت‌شده، مستمر و قابل ارزیابی درآید.

آنها «الگوی نقش» بودن است. بسیاری از نوجوانان در دوره

شکل‌گیری هویت خود، از ورزش و ستاره‌های ورزشی تأثیر

می‌گیرند و آنها را به‌عنوان الگو انتخاب می‌کنند. از آنجا

که ورزشکاران حضوری ملموس و پررنگ در جامعه دارند، تأثیر آنها در مقایسه با بسیاری از حوزه‌های دیگر بیشتر است. از نظر همبستگی اجتماعی نیز موفقیت‌های ورزشی می‌تواند نقش بسیار مهمی ایفا کند. برای مثال، صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ پس از سال‌ها انتظار، موجی از شادی و حضور گسترده مردم در فضای عمومی ایجاد کرد که از نظر بسیاری از ناظران کم‌نظیر بود. حتی برخی این رویداد را با لحظات تاریخی مهمی مقایسه کرده‌اند. در سطح جهانی نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد. برای مثال، قهرمانی تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۷۰، شرایطی قریح‌داد که این کشور با ناراپری‌های شدید اقتصادی مواجه بود. برخی جامعه‌شناسان، از جمله اودارد گالتانو، معتقدند این قهرمانی باعث تقویت هویت جمعی و ایجاد شادی و انسجام اجتماعی در میان مردم شد؛ اما در عین حال، تا حدی باعث شد مشکلات عمیق اجتماعی کمتر دیده شود و حتی به تعویق تغییرات در این حوزه کمک کند.

در واقع، موفقیت‌های ورزشی می‌توانند هم‌زمان دو اثر داشته باشند؛ از یک سو موجب افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی شوند و از سوی دیگر ممکن است توجه جامعه را از مسائل اساسی و ساختاری منحرف کنند. این همان دیدگاهی است که برخی جامعه‌شناسان انتقادی آن با عنوان «تخدیدتوده‌ها» یاد می‌کنند. ورزشکاران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و تقویت همبستگی دارند، اما این نقش در بستر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه معنا پیدا می‌کند و می‌تواند پیامدهای متفاوتی به همراه داشته باشد.



برش

آیا تمرکز بیش از حد بر مسئولیت فردی

ورزشکاران باعث می‌شود ریشه‌های ساختاری

مشکلات اجتماعی نادیده گرفته شود؟

این نکته بسیار مهمی است و از انتقادهای اصلی جامعه‌شناسان انتقادی به دیدگاه‌های محافظه‌کارانه به شمار می‌رود. در رویکردهای محافظه‌کار، معمولاً موفقیت یا شکست افراد به تلاش و عملکرد شخصی آنها نسبت داده می‌شود. بر این اساس، اگر ورزشکاری موفق نشود، خود او مقصر دانسته می‌شود. اما جامعه‌شناسان انتقادی دیدگاه متفاوتی دارند. آنها با پذیرش نقش تلاش فردی، تأکید می‌کنند که نیروی امکانات، وجود تبعیض، ناراپری و موانع ساختاری می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ناگامی افراد داشته باشند. بنابراین نمی‌توان همه مسئولیت را به دوش فرد گذاشت. از سوی دیگر، در جامعه‌نهادهایی مانند هلال احمر، بهزیستی و سایر سازمان‌های حمایتی هستند که وظایف مشخصی در حوزه مسائل اجتماعی دارند. اگر افراد به‌صورت فردی جای این نهادها عمل کنند، در واقع کارکرد و ضرورت این سازمان‌ها زیر سؤال می‌رود. علاوه بر این، کنش‌های فردی ممکن است با آسیب‌ها و حتی سوءاستفاده‌هایی همراه باشد. در واقع، مسائل اجتماعی باید توسط نهادهای اجتماعی و در چهارچوب‌های رسمی مدیریت و حل‌وفصل شوند. هرچند مسئولیت اجتماعی ورزشکاران اهمیت دارد، اما این مسئولیت باید در چهارچوبی نهادی و سازمان‌یافته تعریف و اجرا شود.

ورزشکاران چه نقشی در شکل‌گیری هویت جمعی و افزایش همبستگی اجتماعی دارند، بویژه در جوامعی که با ناراپری در حوزه دستمزدها مواجهند؟ ورزشکاران نقش‌های متعددی دارند که یکی از مهم‌ترین





## ایران در ایران



## گام بزرگ برای پایان واردات موز

**بندرعباس** - اجرای مراحل اولیه طرح توسعه کشت موز با مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در یک هزار هکتار از اراضی شهرستان جاسک در سواحل مکران استان هرمزگان آغاز شد.

«مسعود کرگیج»، معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان در این زمینه اظهار کرد: «سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار ارز برای واردات موز از کشور خارج می‌شود و توسعه کشت این محصول در مناطق مستعد می‌تواند سهم قابل توجهی در کاهش این وابستگی داشته باشد.» کرگیج با اشاره به ظرفیت‌های اقلیمی سواحل مکران گفت: «براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، سواحل مکران در دو استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان به‌عنوان مناطق هدف برای توسعه کشت موز و دیگر میوه‌های گرمسیری در نظر گرفته شده‌اند. شرایط اقلیمی مناسب، دسترسی به منابع آب و امکان توسعه کشاورزی گلخانه‌ای و سایبانی از جمله مزیت‌هایی است که این منطقه را به یکی از کانون‌های مهم تولید محصولات گرمسیری در کشور تبدیل کرده است.»

این مقام مسئول با اشاره به آغاز اجرای پروژه در شهرستان جاسک گفت: «طرح توسعه کشت موز با استفاده از سیستم محیط سایبان در اراضی این شهرستان با همکاری شرکت ماهان و شرکت سهامی زراعی جگین آغاز شده است.» وی با تأکید بر اینکه این طرح با هدف افزایش تولید داخلی این محصول گرمسیری، کاهش وابستگی به واردات و ایجاد اشتغال پایدار در منطقه در حال اجراست، بیان کرد: «استفاده از سامانه‌های نوین تولید و کشت سایبانی، علاوه بر افزایش بهره‌وری، موجب پایداری تولید و کاهش آسیب‌های ناشی از شرایط نامساعد اقلیمی می‌شود.» به گفته کرگیج، با تکمیل این طرح در سطح یک‌هزار هکتار، پیش‌بینی می‌شود سالانه حدود ۴۰ هزار تن موز در این منطقه تولید شود که می‌تواند سهم قابل توجهی در تأمین نیاز بازار داخلی داشته باشد.

وی همچنین با تأکید بر آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای این طرح گفت: «توسعه کشت موز در سواحل مکران، علاوه بر افزایش تولید محصولات کشاورزی، زمینه اشتغال مستقیم برای حدود ۹ هزار نفر را در منطقه فراهم می‌کند.» کرگیج ابزار امیدواری کرد: «با ادامه حمایت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر، سواحل مکران در سال‌های آینده به یکی از قطب‌های مهم تولید موز و سایر میوه‌های گرمسیری کشور تبدیل شود.»

## تأمین اعتبار برای تکمیل

## بزرگترین پروژه درمانی جنوب شرق کشور

**کرمان** - روند اجرای بیمارستان شهید حاج قاسم سلیمانی در کرمان به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه درمانی جنوب‌شرق کشور پیش می‌رود.

«مرتضی هاشمیان» رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان با اعلام این خبر اظهار کرد: «ساخت این بیمارستان از حدود ۲ سال پیش آغاز شده و امسال با تأمین اعتبار مناسب، روند پیش‌این آن سرعت بیشتری گرفته است.» هاشمیان افزود: «این مرکز درمانی یکی از مهم‌ترین پروژه‌های حوزه سلامت در جنوب کشور محسوب می‌شود و با بهره‌برداری از آن، بخشی از نیازهای درمانی مردم استان کرمان و استان‌های همجوار تأمین خواهد شد.» رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان با اشاره به روند مطلوب اجرای پروژه گفت: «تأمین اعتبار مناسبی برای این طرح صورت گرفته و امیدواریم این بیمارستان در آینده نزدیک به بهره‌برداری برسد.»

هاشمیان همچنین از تکمیل و بهره‌برداری بیمارستان ۳۵۰ تختخوابی امام زارع) در سال جاری خبر داد و اظهار کرد: «این پروژه از دیگر طرح‌های مهم درمانی استان است که نقش مهمی در توسعه خدمات پزشکی و کاهش فشار بر مراکز درمانی موجود خواهد داشت.» پروژه بیمارستان کرمان درمان نیز که ساختمان آن در سال‌های گذشته به یکی از نقاط نیمه‌تمام و فرسوده مرکز شهر تبدیل شده بود، با تأمین اعتبار لازم فعال شده و پیش‌بینی می‌شود طی ۱۸ ماه آینده با ۵۰ مطب به بهره‌برداری برسد. توسعه زیرساخت‌های درمانی، افزایش ظرفیت تخت‌های بیمارستانی و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام سلامت از مهم‌ترین اولویت‌های حوزه بهداشت و درمان استان کرمان است.»

## ظرفیت تولید برق خورشیدی بوشهر

## به ۱۵۰ مگاوات می‌رسد

**بوشهر** - با تکمیل پروژه‌های در دست اجرا، ظرفیت تولید انرژی خورشیدی استان بوشهر تا پایان خردادماه و پیش از آغاز اوج مصرف برق، به ۱۵۰ مگاوات افزایش خواهد یافت. ارسلان زارع، استاندار بوشهر با اعلام این خبر اظهار کرد: «با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در دولت چهاردهم و همکاری بخش خصوصی، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در استان بوشهر با شتاب در حال پیگیری است.»

وی افزود: «انرژی خورشیدی به‌عنوان منبعی پاک و مقرون به‌صرفه، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای استان دارد و در همین راستا حدود یک هزار هکتار زمین در مناطق مستعد برای اجرای طرح‌های نیروگاهی شناسایی و به سرمایه‌گذاران واگذار شده است.» استاندار بوشهر با اشاره به بهره‌برداری از ۱۰۰ مگاوات انرژی تجدیدپذیر تا پایان سال گذشته گفت: «نیروگاه ۱۰ مگاواتی «مانا انرژی» در بخش مرکزی شهرستان تنگستان از جمله طرح‌های شاخص این حوزه است که عملیات اجرایی آن در ماه‌های اخیر شتاب گرفته و پیش‌بینی می‌شود طی چهار تا پنج هفته آینده به شبکه سراسری برق متصل شود.»



## فرماندار چابهار در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

## بسته حمایتی دولت از صیادان سواحل مکران

## گزارش

## بیاتمیرعظیمی

گروه ایران زمین

با وجود تداوم شرایط جنگی و محدودیت‌های ایجادشده در تردهای مدیریت هماهنگ دستگاه‌های اجرایی در سواحل جنوب سیستان و بلوچستان و شرق هرمزگان مانع از بروز بحران معیشتی گسترده در میان صیادان و ملوانان شده است. هرچند بخشی از فعالیت‌های صیادی و حمل‌ونقل دریایی در شهرهایی مانند چابهار، کنارک، میناب، سیریک و جاسک به صورت مقطعی کاهش یافته و برخی خانواده‌های ساحل‌نشین با افت درآمد مواجه شده‌اند، اما اجرای بسته‌های حمایتی و تصمیمات فوری دولت، روند پشتیبانی از جامعه دریانورد را تقویت کرده است. تأمین مستمر سوخت شناورها، استمهال وام‌های بانکی، اختصاص

سرمایه در گردش برای فعالان حوزه شیلات و ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین در بازارچه‌های مرزی و مبادلات تجاری، از جمله اقداماتی است که با هدف حفظ رفاه و ثبات اقتصادی ساحل‌نشینان انجام شده است. در همین حال، استمرار فعالیت بندر شهبید بهیشتی چابهار و حفظ جریان تأمین کالاهای اساسی کشور، نشان‌دهنده پایداری ظرفیت اقتصادی منطقه در شرایط خاص است. مسئولان محلی تأکید دارند با وجود فشارهای ناشی از جنگ، روند تأمین کالا، سوخت و حمایت از صیادان بدون وقفه ادامه دارد و برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای انجام شده که زندگی عادی و امنیت معیشتی مردم منطقه حفظ شود.

## تأمین سوخت صیادان

## با وجود محدودیت‌های جنگی

علیرضا نورا، فرماندار شهرستان چابهار با اشاره به شرایط ویژه روزهای جنگ و قرار گرفتن این بندر در مسیر مقدم تحولات منطقه‌ای به «ایران» گفت: «در مقطعی که شدت درگیری‌ها بالا بود، فعالیت‌های

صید و صیادی در منطقه تقریباً متوقف شد. از سوی دیگر، به دلیل اختلال در روند انتقال سوخت، صیادان با مشکلات جدی مواجه شدند.» وی افزود: «با وجود همه محدودیت‌هایی که در حوزه انرژی و سوخت وجود داشت و حتی بسیاری از پروژه‌های عمرانی به همین دلیل متوقف شده بود، تأمین سوخت صیادان را در اولویت قرار دادیم؛ چرا که صیادی و تولید محصولات منطقه نقش مؤثری ایفا می‌کنند.» وی ادامه داد: «در شرایط خاص دریایی، حضور این قایق‌ها می‌تواند به حفظ امنیت منطقه و مدیریت بهتر تردهای دریایی کمک کند.» نورا درباره وضعیت تأمین کالاهای اساسی در دوران جنگ نیز گفت: «با وجود شرایط سخت و قرار گرفتن چابهار زیر حملات دشمن، بندر شهبید بهیشتی نقش ملی خود را در تأمین کالاهای اساسی حفظ کرد.» وی افزود: «ظرفیت تخلیه و بارگیری بندر که در شرایط عادی حدود ۲.۵ میلیون تن بود، در دوران جنگ به حدود ۶.۵ میلیون تن رسید. بسیاری از کشتی‌هایی که امکان پهلوگیری در بندر شهبید رجبی یا بندر امام را نداشتند، به چابهار منتقل شدند.» طبق گفته این مقام مسئول، «چابهار در آن مقطع، علاوه

## استمهال وام‌ها و تأمین سرمایه در گردش صیادان

فرماندار شهرستان چابهار با اشاره به آمار



## تفویض اختیارات صورت‌گرفته

## از سوی دولت

## و استانداری،

## زمینه

## فعال‌سازی

## ظرفیت‌های

## جدید مرزی

## را فراهم کرده

## و بخشی از

## نیروهایی که

## در حوزه دریا

## با محدودیت

## مواجه شدند،

## اکنون در بخش

## تجارت و واردات

## کالاهای مورد

## نیاز کشور

## مشغول فعالیت

## هستند

شناورهای فعال اظهار کرد: «در محدوده چابهار و مناطق پیرامونی از جمله کنارک، زرنیاد و دشتیاری، جامعه گسترده‌ای از صیادان فعالیت دارند. تنها در چابهار بین ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ لنج صیادی فعال هستند که در مرحله اول، سوخت مورد نیاز آنها به‌طور کامل تأمین شد.» نورا درباره سهمیه سوخت شناورها نیز توضیح داد: «برای هر شناور بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ لیتر سوخت در نظر گرفته شد تا بتوانند برای دوره‌های طولانی، حدود ۴۵ روز، بدون مشکل در دریا فعالیت کنند.» در باره اقدامات حمایتی برای جبران خسارت‌های ناشی از کاهش صید و محدودیت‌های دریایی گفت: «با مدیربانک کشاورزی استان راینزی شد و یکی از مهم‌ترین تصمیمات، استمهال وام‌های دریافتی صیادان بود تا بدون جریمه، بازپرداخت تسهیلات آنها به تعویق بیفتد.» فرماندار چابهار تصریح کرد: «این فرصت به صیادان داده می‌شود تا پس از بازگشت رونق به فعالیت‌های تولیدی، اقساط خود را پرداخت کنند. همچنین بانک‌ها برای تأمین سرمایه در گردش و نقدینگی مورد نیاز فعالان این حوزه اعلام آمادگی کرده‌اند.»

## چابهار: محور تأمین

## کالاهای اساسی کشور

فرماندار شهرستان چابهار با اشاره به اهمیت قایق‌های کوچک صیادی تصریح کرد: «قایق‌های کوچک علاوه بر نقش اقتصادی، از نظر امنیتی نیز برای ما اهمیت زیادی دارند. این شناورها هم در فرآیند صید و هم در مدیریت و رصد آب‌های منطقه نقش مؤثری ایفا می‌کنند.» وی ادامه داد: «در شرایط خاص دریایی، حضور این قایق‌ها می‌تواند به حفظ امنیت منطقه و مدیریت بهتر تردهای دریایی کمک کند.» نورا درباره وضعیت تأمین کالاهای اساسی در دوران جنگ نیز گفت: «با وجود شرایط سخت و قرار گرفتن چابهار زیر حملات دشمن، بندر شهبید بهیشتی نقش ملی خود را در تأمین کالاهای اساسی حفظ کرد.» وی افزود: «ظرفیت تخلیه و بارگیری بندر که در شرایط عادی حدود ۲.۵ میلیون تن بود، در دوران جنگ به حدود ۶.۵ میلیون تن رسید. بسیاری از کشتی‌هایی که امکان پهلوگیری در بندر شهبید رجبی یا بندر امام را نداشتند، به چابهار منتقل شدند.» طبق گفته این مقام مسئول، «چابهار در آن مقطع، علاوه

## مقایسه با قاجاق سوخت

## در مرزهای دریایی

فرماندار شهرستان چابهار درباره هماهنگی دستگاه‌های اجرایی با شیلات، مرزبانی و نهادهای امنیتی نیز گفت: «تمام امور در قالب مدیریت واحد بحران و با هماهنگی کامل دستگاه‌ها در حال انجام است.» نورا افزود: «یکی از اقدامات مهم، جلوگیری از قاچاق سوخت بود. با همکاری مرزبانی و دستگاه‌های نظارتی، کنترل مرزهای دریایی تشدید شد تا سوخت تخصصی صیادان از چرخه فعالیت قانونی خارج نشود.» فرماندار چابهار در پایان با اشاره به خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌ها و جامعه صیادی منطقه، گفت: «صیادان و فعالان صنایع شیلاتی در کنارک و چابهار خسارت‌های زیادی متحمل شدند و برخی مناطق بارها هدف حملات دشمن قرار گرفتند.» نورا تأکید کرد: «مردم نگران نباشند؛ خسارت‌ها در حال برآورد و پیگیری است و در کوتاه‌ترین زمان ممکن جبران خواهد شد. در حال حاضر نیز تأمین سوخت، کالاهای اساسی و فعالیت‌های اقتصادی در منطقه بدون مشکل در جریان است و زندگی عادی در چابهار ادامه دارد.»

## برگزاری نخستین جلسه ستاد مرکزی

## سی‌وهفتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (ره)

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری آستان، «حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری»، دبیر ستاد مرکزی سی‌وهفتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (س)، با یادآوری شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهانش اظهار کرد: «امسال مراسم را بدون رهبر شهیدمان برگزار می‌کنیم که برای همه بسیار سخت و ناباورانه است.» وی افزود: «سال‌ها مراسم با سخنرانی حکیمانه رهبر شهید برگزار می‌شد و خستگی ما را از تن بیرون می‌کرد، اما

## اطلاع‌رسانی

## برگزاری نخستین جلسه ستاد مرکزی

## سی‌وهفتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (ره)

امسال وظیفه سنگین‌تر است؛ چراکه باید بزرگداشت امام با یادبود شهید رئیسی و عید غدیر خم تلفیق شود.» انصاری تأکید کرد: «مقدم‌ات حضور حدود ۱۰۰ هزار نفر از استان‌های تهران، قم و البرز در حرم امام خمینی (س) فراهم شده است، اما تبلیغات باید به‌گونه‌ای باشد که مردم به هر شکل بتوانند در مراسم حضور یابند.»

وی با اشاره به شرایط امنیتی گفت: «به دلایل امنیتی، در روز ۱۴ خرداد هیچ سخنرانی رسمی نخواهیم داشت و برنامه

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری آستان، «حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری»، دبیر ستاد مرکزی سی‌وهفتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (س)، با یادآوری شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهانش اظهار کرد: «امسال مراسم را بدون رهبر شهیدمان برگزار می‌کنیم که برای همه بسیار سخت و ناباورانه است.» وی افزود: «سال‌ها مراسم با سخنرانی حکیمانه رهبر شهید برگزار می‌شد و خستگی ما را از تن بیرون می‌کرد، اما

## بنگاه

## گام عملی «هگتا» در احیای مسیرهای گردشگری ریلی

نخستین قطار گردشگری مسیر شیرگاه پس از جنگ سوم تحمیلی آمریکایی - صهیونی، در آخرین روز اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ با ظرفیت کامل به حرکت درآمد؛ حرکتی که مدیرعامل شرکت بین‌المللی خدمات مسافرتی و گردشگری تأمین، آن را نمادی از تقویت تاب‌آوری صنعت گردشگری و احیای نشاط اجتماعی در مسیرهای ریلی کشور دانست.

به گزارش روابط عمومی هگتا، این تور ریلی با همت شرکت بین‌المللی خدمات مسافرتی و جهانگردی تأمین و همکاری شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و شرکت ریل‌تراز سبا

برگزار شد و مسافران را به تماشای بخشی از میراث مهندسی و طبیعی کشور برد. مسافران در این سفر، علاوه بر عبور از مناظر چشم‌نواز مسیر ریلی تهران - شیرگاه، از جاذبه‌هایی چون ایستگاه تاریخی بنکوه، بازارچه محلی شورا، پل ورسک و شاهکار مهندسی «سه‌خط طلا» بازدید کردند.

## حرکت دوباره قطار گردشگری

## شیرگاه با ظرفیت کامل

«مهرداد کاظمی»، مدیرعامل شرکت بین‌المللی خدمات مسافرتی و



صادر کنند.»

در ادامه این جلسه، سردار «حسن حسن‌زاده»، فرمانده قرارگاه شهید

فرمانده قرارگاه شهید فهمیده با اشاره به اینکه نسل‌های دوم، سوم و چهارم انقلاب، امام را از زبان و بیان رهبر شهید «قرن‌گاره شهید فهمیده از اول خرداد فعالیت خود را آغاز می‌کند و حدود ۸ استان به صورت گراوانی در مراسم حضور می‌یابند.»

وی تأکید کرد: «این برنامه مانع حضور خودجوش مردم با امکانات شخصی نیست و ما آماده میزبانی از همه زائران امام هستیم.»

فهمیده، شعار امسال را «امتیاق با امامین انقلاب و بیعت با رهبری انقلاب اسلامی» اعلام کرد.



مسیرهای ریلی کشور به شمار می‌رود که اکنون با رویکرد جدید هگتا در راستای تداوم فعالیت‌های گردشگری در تمامی شرایط، دوباره به کانون توجه گردشگران تبدیل شده است.

جهت تقویت زنجیره ارزش گردشگری در هلدینگ خواهد بود.» گفتنی است مسیر ریلی شیرگاه به دلیل برخورداری از ارزش‌های معماری و معاصر و جاذبه‌های اکوتوریستی، از محبوب‌ترین

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت، آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر



## ظرفیت‌های حداکثری صنعت

حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

از ظرفیت‌های حداکثری صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه عدالت در

سفر و توزیع متوازن گردشگر در مناطق مختلف کشور است. این حرکت،

آغازی برای برنامه‌های توسعه‌یافته‌تر

# نیمه پنهان نویسنده

## بررسی ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر نوشته مارتین برگمن

### روانکاوی

#### عرفان خیرخواه

روان‌درمانگر تحلیلی

مارتین اس. برگمن (۲۰۱۴-۱۹۱۳) در اواخر عمرش، کتابی منتشر کرد که می‌توان آن را وضعیت‌نامه بالینی یک عمر مواجهه با پویایی‌های ذهن انسان دانست: «ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر». برگمن که در محافل روانکاوی بیشتر با تدریس درباره تاریخ جنبش روانکاوی شناخته می‌شود، در این کتاب مسیری متفاوت را می‌پیماید. او از جایگاه یک روان‌مانگر با تجربه، پشت میز تحریر خود می‌نشیند و نمایشنامه‌های شکسپیر را به‌مثابه «گزارش‌های مودی» می‌خواند اما نه از آن دست گزارش‌هایی که بیماران بر تخت تحلیل می‌گویند، بلکه از آن گونه‌ای که یک شاعر نابغه در لایه لای دیالوگ‌های «هملت»، «مکبث» و «اتللو» بر جای گذاشته است.

پرسش محوری برگمن ساده و در عین حال جسورانه است: آیا می‌توان لایه‌های ناخودآگاه خود شکسپیر را در شخصیت‌پردازی‌هایش تشخیص داد؟ و اگر پاسخ آری است، این لایه‌ها از چه تعارضات حل‌نشده‌ای حکایت می‌کنند؟ برگمن با نکیه بر مفاهیم کلاسیک فرویدی عقده ادیب، ناتوانی در سوگواری، پارانوایا و سازش‌های همگون خواهانه نشان می‌دهد بسیاری از معمای‌ترین رفتارهای شخصیت‌های شکسپیر، وقتی در پرتو روانکاوی خوانده می‌شوند، ناگهان درونی‌ترین کشمکش‌های خالق خود را فاش می‌کنند.

کتاب پیش رو سفری است به اعماق ناخودآگاه نمایشنامه‌نویسی که چهار قرن پس از مرگش هنوز زانهای تازه‌ای برای افشا کردن دارد. برگمن در شش بخش مجزا، از «هملت» به‌عنوان نقطه عطف آغاز می‌کند، به سراغ عقده ادیب در هفت نمایشنامه می‌رود، از پارانوایا «اتللو» می‌گوید و سرانجام در «تاجر ونیزی» و «شب دوازدهم» به بازنمایی سازش‌های همگون خواهانه می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید کاوشی است در لایه‌های پنهان شخصیت‌هایی که گمان می‌کردیم همه چیزشان را می‌دانیم، اما برگمن نشان‌مان می‌دهد ناخودآگاه خالق آنها هنوز حرف‌های نگفته بسیاری دارد.

### گفت‌وگوی دنسل از روانکاوان

کتاب «ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر» با مقاله‌ای از آندره گرین، یکی از تأثیرگذارترین روانکاوان فرانسوی نیمه دوم قرن بیستم، آغاز می‌شود. حضور گرین در ابتدای این کتاب تصادفی نیست؛ او که شاکارد ژاک لکان و اسبند از منتقدان جدی او بود، در طول حیات حرفه‌ای خود همواره پیوندی عمیق میان روانکاوی و ادبیات برقرار کرد. گرین پیش‌تر در آثار خود به تحلیل تراژدی‌های کلاسیک می‌پرداخت، اما نمایشنامه‌های شکسپیر را به‌عنوان نقطه عطف جدید در تحلیل آثار خود به‌شمار می‌شود. حضور او در کتاب برگمن، نه یک مدعو زینتی، بلکه گفت‌وگویی میان دو دنسل از روانکاوان باشد که هر دو، پیش از ورود به تحلیل نمایشنامه، چهارچوبی نظری برای خوانش مبتنی بر ناخودآگاه فراهم آورد. بخش اول کتاب (موقعیت محوری هملت) مستقیماً با نام گرین کره خورده و فصل اول درباره «هملت: ناتوانی در سوگواری و عشق ورزیدن» دنباله‌ای بر مقدمه تحلیلی او است.

مارتین برگمن در بخش «موقعیت محوری هملت» با درک این نکته که «هملت» در تاریخ روانکاوی جایگاهی استثنایی دارد، تمام تمرکز این بخش را معطوف به معمای می‌کند که چهار قرن ذهن خوانندگان و تماشاگران را به خود مشغول داشته: چرا هملت این قدر در عمل تردید می‌کند؟ برگمن در ابتدای فصل اول که «هملت: ناتوانی در سوگواری و عشق ورزیدن» نام دارد، یادآور می‌شود که فروید و بسیاری از پیروانش هملت را تقریباً همچون یک شخصیت واقعی تحلیل کرده‌اند: گوئی با بیماری‌ری روی تخت روانکاوی مواجه‌اند که باید ریشه‌های درونی تعارضات را کشف کرد. اما برگمن از این رویکرد فراتر می‌رود: او «هملت» را نه صرفاً پرورده‌ای بالینی، بلکه «جسم تلاش درخشان هنری» می‌داند که هدف آن، هم آشکار کردن و هم پنهان ساختن

لایه‌هایی از ناخودآگاه است. به عبارت دیگر، تردید هملت، نه فقط یک مسأله درون‌داستانی، بلکه کلیدی است برای ورود به درونی‌ترین کشمکش‌های خود شکسپیر. اگر به متن «هملت» بازگردیم، با شاهزاده‌ای روبه‌رو هستیم که از همان ابتدا در سوگ پدر غرق است اما نه سوگی معمولی. گرترو، مادر هملت، کمتر از دو ماه پس از مرگ شوهرش با برادر او (کلودیوس) ازدواج کرده است. خود هملت در اولین تک‌گویی بلندش این وضعیت را شرح می‌دهد: «آه خدایا، حیوانی بی‌خرد زودتر از این به سوگ می‌نشست». او در همان خطاب اولیه به مادر، مرزهای اخلاقی را چنان جابه‌جا می‌بیند که از تعابیری استفاده می‌کند که بیش از یک پسر خشمگین، از پسری رانده شده از حریم عاطفی حکایت دارد. اما مهم‌ترین مقطع، مواجهه هملت با روح پدر است. شیخ به او می‌گوید «خونخواهی کن» و هملت به ظاهر قاطعانه می‌پذیرد. با این حال، آنچه در ادامه می‌آید، نه نقشه‌ای منسجم برای انتقام، بلکه نمایشی غریب از تردید و تعلل است. چرا هملت در فرصت‌های متعدد (از جمله صحنه دعای کلودیوس که کاملاً تنها و بی‌دفاع است) شمشیر نمی‌کشد؟ پاسخ برگمن در جایی بیرون از متن نهفته است.

برگمن نظریه خود را چنین خلاصه می‌کند: هملت، «ناتوانی در سوگواری» و «ناتوانی در عشق ورزیدن» را همزمان با هم تجربه می‌کند. اما علت اصلی چیست؟ برگمن با جستاری که در کل کتابش امتداد می‌یابد، پیشنهاد می‌کند اگر هملت را آیینی‌ای از زندگی خود شکسپیر بدانیم، آن‌گاه «هملت بیانگر ناتوانی خود شکسپیر در سوگواری و عشق ورزیدن است تا زمانی که خاطره‌ای کهن از دوران کودکی از ناخودآگاه سر برمی‌آورد و درمان به واسطه بازگشت این خاطره رقم می‌خورد.»

این «خاطره کودکی» در تحلیل برگمن، هسته مرکزی راز تردید هملت را تشکیل می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، هملت نمی‌تواند علیه کلودیوس دست به عمل بزند، نه به این دلیل که شواهد کافی ندارد یا از قدرت او می‌هراسد، بلکه به این دلیل که در لایه‌های عمیق‌تر روانش، نفرت از کلودیوس با دل‌بستگی‌های حل‌نشده‌ای کره خورده که بازگشت به صحنه اصلی آنها برای خود شکسپیر و به تبع آن برای هملت درمان‌بخش است. بدین ترتیب، هملت در خوانش برگمن نه یک قهرمان تراژیک کلاسیک مردد، که بازنمایی هنرمندانه فرآیندی درمان‌گونه است: سفری از تردید و تعلل به سوی رهایی از طریق یادآوری صحنه تلخ موش، که در آن هملت نمایشی درون نمایشنامه اجرا می‌کند تا کلودیوس را به اعتراف وادار، در این چهارچوب نه یک حیل، که انباشتی نمایان برای احضار حقیقت سرکوب‌شده است. لحظه‌ای که هملت سرانجام شمشیر می‌کشد، در واقع لحظه‌ای است که حافظه سرکوب‌شده جای خود را به آگاهی می‌دهد و تراژدی به پایان می‌رسد.

### نمایشی درباره هنرنمایی

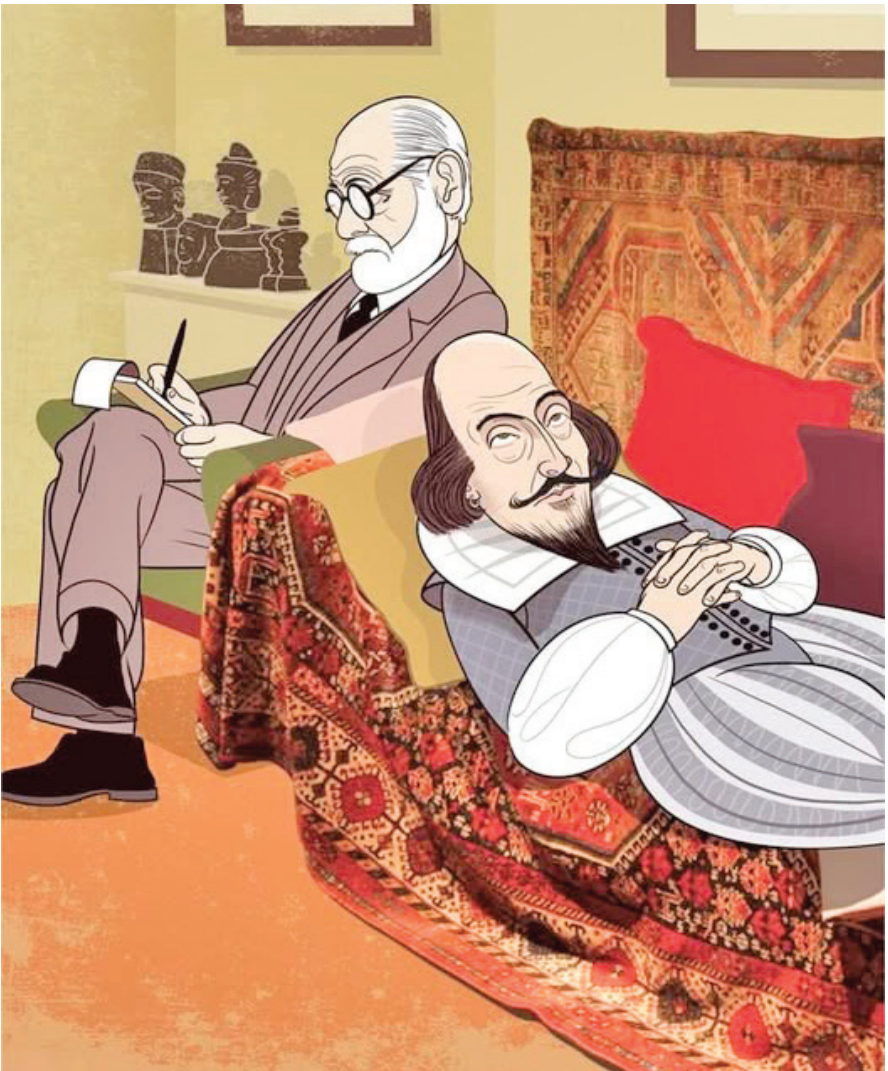
بخش دوم کتاب «ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر» با عنوان «شاعر و رسالتش» دربرگیرنده تحلیل سه نمایشنامه است: «روای یک شب نیمه تابستان»، «طوفان» و «تیمون آتی». برگمن در ابتدای بخش از تحلیل‌های درمی‌یابد که همه فراتر می‌رود و مستقیماً به سراغ خود شکسپیر می‌آید: پرسش او این است: یک شاعر چگونه «حق» نوشتن شاهکارها را به دست می‌آورد؟ و چگونه ممکن است این حق را از دست بدهد؟

خوانش برگمن از نمایشنامه «روای یک شب نیمه تابستان» و «طوفان» سخن‌گفته و نشان داده چگونه شکسپیر، بیش از هر نویسنده مدرن دیگری، ژرف‌ترین و گسترده‌ترین تصویر را از روان انسان و روابط عاشقانه و خصمانه میان آدمیان ارائه می‌دهد. مقاله گرین در این کتاب، پلی است از نظریه روانکاوانه به متن شکسپیر. او به برگمن کمک می‌کند تا پیش از ورود به تحلیل ۱۶ نمایشنامه، چهارچوبی نظری برای خوانش مبتنی بر ناخودآگاه فراهم آورد. بخش اول کتاب (موقعیت محوری هملت) مستقیماً با نام گرین کره خورده و فصل اول درباره «هملت: ناتوانی در سوگواری و عشق ورزیدن» دنباله‌ای بر مقدمه تحلیلی او است.

شکلی درگیر «نشان دادن توانایی خود در نمایش» هستند. برگمن اما خوانش خود را از خلال تقابل دو جفت عاشق اصلی پی می‌گیرد: هرمیا و لیزاندر در یک سو و هلنا و دمتریوس در سوی دیگر. در نگاه اول، این چهار جوان نمادی از عشق رمانتیک سراسر اشتیاق و بی‌پروا هستند. اما برگمن نشان می‌دهد شکسپیر از خلال ماجراهایی که بر سر این عاشقان می‌آید مانند جابه‌جایی‌های سردرگم‌کننده عشق در جنگل، دخالت‌های سبقت‌آمیز یک و معجون عشق در عمل دارد «دعوت خود را به‌عنوان شاعر اجرا می‌کند» یعنی توانایی‌اش در خلق توهمی خوشایند و متقاعدکننده. به عبارت دیگر «روای یک شب نیمه تابستان» برای برگمن نه فقط یک کمدی عاشقانه، که بیابانه‌ای هنری درباره چیستی و چرایی هنرنمایی شاعرانه است.

## بخشی از پیشگفتار مارتین برگمن

انکار کنند. آنها رسوباتی در آثارشان به جا می‌گذارند که اگر دقت کنیم، می‌توانند عناصر سازنده‌ای باشند که جنبه‌هایی از ناخودآگاه را آشکار می‌کنند... تفاوت‌ها و شباهت‌های مشخصی بین جست‌وجوی ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر و یک ساعت جلسه روانکاوی، وجود دارد. معمولاً بیماران روانکاوی به صورت آگاهانه می‌خواهند روانکاوی آنها را بشناسد اما همچنین به صورت ناخودآگاه در این امر مقاومت می‌ورزند. سپس روانکاوان بیمار را ترغیب به «نداعی آرزو» می‌کنند. در این زمان معجزه‌های کوچک رخ می‌دهد: همان‌طور که بیماران در جریان نداعی آزاد قرار می‌گیرند، روانکاوان شنونده، چیزی بیش از آنچه بیمار تصور می‌کند که انتقال می‌دهد، به دست می‌آورند. اگر ما به روشی مشابه به نمایشنامه‌های گوش دهیم آن وقت می‌توان نمایشنامه‌ای



### فرورپاشی و کناره‌گیری

در مقابل «روای یک شب نیمه تابستان» که نمایشی درباره اوج هنرنمایی است، «طوفان» برای برگمن نمایشی کناره‌گیری از خلاقیت است. پراسپرو، دوک تبعیدشده میلان که بر جزیره‌ای جادویی فرمانروایی می‌کند، در پایان بخشی از روان که با قوانین خشک و تنبیه‌آمیز خود، امکان هرگونه لذت و آزادی را از انسان سلب می‌کند. عنوان فصل «ازهم باشیدی» دقیقاً به همین نقطه اشاره دارد: آنچه که به عنوان نماد قاطعیت و بی‌عاطفی معرفی می‌شود، در واقع یک نمایشنامه‌هایش خود را فراموش کرده است. برگمن این کنش را استعزای‌ای از تصمیم خود شکسپیر برای وداع با تئاتر می‌خواند. جالب آنکه برگمن هیچ‌یک از شخصیت‌های «طوفان» را مستقیماً از منظر روانکاوانه تحلیل نمی‌کند؛ بلکه تمام تمرکزش معطوف است به این نکته که چگونه یک شاعر سالخورده در واپسین نمایشنامه‌هایش خداحافظی‌ای آگاهانه با «بهاوی بسیار برای هیچ» یعنی ذات توهم‌آمیز و زدوگرز هنر نمایشی را به صحنه می‌برد.

اما میان این دو قطب خیزش هنری در «رویا» و وداع باشکوه در «طوفان» نمایشنامه‌ای قرار دارد که برای برگمن تصویری از فرورپاشی خلاقیت است: «تیمون آتی». قهرمان این نمایشنامه، ثروتمندی سخاوتمند که دوست چالیوس دورش جمع شده‌اند، پس از ورشکستگی درمی‌یابد که همه به او پشت کرده‌اند. تیمون از شهر که بی‌بایان می‌گریزد، نفرین‌کنان از انسانیت بریده و سرانجام در گوری بر لب ساحل می‌میرد. برگمن «تیمون آتی» را روایتی از «از دست دادن خلاقیت» می‌خواند: فرورپاشی اعتماد به جهان که نتیجه‌اش فرورپاشی توانایی خلق کردن است. او نشان می‌دهد چگونه خشمی که در این نمایشنامه جریان دارد - در عمل هرآن‌سکان هنرمندانه‌ای از خشمی همه‌جانبه و درمان‌ناپذیر - در عمل هرآن‌سکان هنرمندانه‌ای از خشمی بی‌بایان و فریب می‌شوند. این فصل را «ازهم باشیدی فراخود سرسخت» می‌گذارد، و نشان می‌دهد چگونه این نمایشنامه به جای تحلیل یک شخصیت خاص، به واگویی ساختار ذهنی خود انسانی می‌پردازد که در چنگال سرکوب روانی بی‌امان گرفتار آمده است. محور تحلیل برگمن در این بخش شخصیت آتجلو است. آتجلو معاون حاکم است که در غیاب او



### ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر

- نویسنده: **مارتین برگمن**
- مترجم: **زهره شکوهی فر**
- انتشارات: **مؤسسه انتشارات فلسفه**
- تعداد صفحات: **۳۷۴ صفحه**
- قیمت: **۷۵۰,۰۰۰ تومان**

راه سه وضعیتی که به اعتقاد برگمن، هر سه ریشه در لایه‌های ناخودآگاه زیسته خود شکسپیر دارند.

### کشمکش درونی

بخش چهارم کتاب «ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر» با عنوان «تعارض درون‌روانی» تنها به یک نمایشنامه اختصاص دارد: «قانون علیه قانون». برگمن عنوان این فصل را «ازهم باشیدی فراخود سرسخت» می‌گذارد، و نشان می‌دهد چگونه این نمایشنامه به جای تحلیل یک شخصیت خاص، به واگویی ساختار ذهنی خود انسانی می‌پردازد که در چنگال سرکوب روانی بی‌امان گرفتار آمده است. محور تحلیل برگمن در این بخش شخصیت آتجلو است. آتجلو معاون حاکم است که در غیاب او

اداره شهر را بر عهده می‌گیرد. او مردی است با ایده‌های سخت و انعطاف‌ناپذیر درباره پاکی اخلاقی کسی که خود را به بالاترین استانداردهای دین و قانون پایبند می‌داند. اما برگمن فراتر می‌رود و در آنچه نه فقط یک شخصیت داستانی، که تصویری از «فراخود» سرکوب‌شده را می‌بیند: بخشی از روان که با قوانین خشک و تنبیه‌آمیز خود، امکان هرگونه لذت و آزادی را از انسان سلب می‌کند. عنوان فصل «ازهم باشیدی» دقیقاً به همین نقطه اشاره دارد: آنچه که به عنوان نماد قاطعیت و بی‌عاطفی معرفی می‌شود، در واقع یک نمایشنامه‌هایش خود را فراموش کرده است. برگمن این کنش را استعزای‌ای از تصمیم خود شکسپیر برای وداع با تئاتر می‌خواند. جالب آنکه برگمن هیچ‌یک از شخصیت‌های «طوفان» را مستقیماً از منظر روانکاوانه تحلیل نمی‌کند؛ بلکه تمام تمرکزش معطوف است به این نکته که چگونه یک شاعر سالخورده در واپسین نمایشنامه‌هایش خداحافظی‌ای آگاهانه با «بهاوی بسیار برای هیچ» یعنی ذات توهم‌آمیز و زدوگرز هنر نمایشی را به صحنه می‌برد.

راه سه وضعیتی که به اعتقاد برگمن، هر سه ریشه در لایه‌های ناخودآگاه زیسته خود شکسپیر دارند.



کتاب «ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر» با مقاله‌ای از آندره گرین، یکی از تأثیرگذارترین روانکاوان فرانسوی نیمه دوم قرن بیستم، آغاز می‌شود و فصل اول درباره «هملت: ناتوانی در سوگواری و عشق ورزیدن» دنباله‌ای بر مقدمه تحلیلی او است.

### روانکاوی با زبان شاعرانه

«ناخودآگاه در نمایشنامه‌های شکسپیر» سفری است ۱۶ ایستگاهی به اعماق تاریک‌ترین لایه‌های روان بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس تاریخ. مارتین برگمن، روانکاوی که نیم قرن از عمر خود را صرف شنیدن اسرار نهفته در اتاق کرده بود، در این کتاب نشان می‌دهد شکسپیر چگونه قرن‌ها پیش از فروید، بسیاری از پیچیده‌ترین سازوکارهای ذهن را کشف کرده و در قالب شخصیت‌هایی جادوانه به صحنه آورده است. از تردید درمان‌ناپذیر هملت و ناتوانی او در سوگواری و عشق ورزیدن، تا فروپاشی فراخود سخت‌گیر آنجلو در «قانون علیه قانون»؛ از بدگمانی بیمارگون اتللو که بی‌هیچ دلیل محکمی همسرش را به خاک سپاه می‌نشانند، تا بازگشت دیرهنگام لئونتس به حقیقت در «داستان زمستان». برگمن در هر کدام از این تحلیل‌ها نشان می‌دهد شکسپیر نه فقط یک شاعر، که یک روانکاو با زبان شاعرانه بی‌نظیر بوده است. اما برگمن فراتر از تحلیل شخصیت‌ها می‌رود. او در بخش «شاعر و رسالت او» مستقیماً به سراغ خود شکسپیر می‌آید: از اوج هنرنمایی در «روای نیمه‌شب تابستان» تا فروپاشی خلاقیت در «تیمون آتی» و خداحافظی باشکوه با جادوی تئاتر در «طوفان». این سه نمایشنامه در کنار هم تصویری سه‌بعدی از سیر روحی یک شاعر نابغه به دست می‌دهند. کتاب برگمن دعوتی است برای نگاه کردن به شکسپیر از زاویه‌ای تازه. نه شکسپیر شاعر رنسانسی، بلکه شکسپیر کاشف اعماق ذهن انسانی. کسی که چهار قرن پیش، آنچه را روانکاوی قرن بیستم با زحمت کشف کرد، در دیالوگ‌هایی نغز و شخصیت‌هایی ماندگار جای داد. خواندن این کتاب برای هر دوستدار شکسپیر و هر کنجکاو روان انسان، غنیمی است که پایانی بر آن نمی‌توان متصور شد.

به شک می‌اندازد. اما برگمن فراتر از نقشه ابگو می‌رود و ریشه بدگمانی را در درون خود اتللو جست‌وجو می‌کند. اگر به متن نمایشنامه برویم، با سرداری روبه‌رویم که با همه‌چیز نیک و بیگانه است. او در یکی از تک‌گویی‌هایش می‌گوید: «سپاه هستم و زنان بلد نیستم و به رقص و خوشگذرانی عادت ندارم.» برگمن این جمله را نشانه‌ای از نامنی عمیق اتللو می‌خواند. او هرگز خود را کاملاً لایق عشق دزدمونا نمی‌داند و همین احساس کینه و سرکوب‌شده، زمینه را برای باور کردن هر تردیدی فراهم می‌کند. اتللو در اوج شناخت درونی، فریاد می‌زند: «شکی که دلیل ندارد، دلیل نمی‌خواهد.» جمله‌ای که برگمن آن را بهترین توصیف از سقوط آزاد یک ذهن پارانوید می‌داند. برای اتللو، دیگر هیچ نشانه‌ای نمی‌تواند او را قانع کند که همسرش بی‌گناه است، چرا که او پیشاپیش به گناه دزدمونا «باور» دارد. این باور بی‌دلیل، خود یک سازوکار دفاعی است در برابر اضطرابی که ریشه‌اش جای دیگری است. لحظه تراژیک نمایشنامه وقتی رقم می‌خورد که اتللو پس از کشتن دزدمونا، حقیقت را را می‌فهمد. خود یک نمایشنامه‌ای است که حتی در این لحظه نیز اتللو به جای روایتی با ریشه‌های درونی بدگمانی، خود را قربانی «سرنوشت خود» می‌نامد گوئی نیروی بیرونی او را فریب داده، نه آنکه خودش اسیر توهمی درونی بوده است. نمایشنامه «داستان زمستان» روایت شش‌پایی دارد با اولین متفاوت. لئونتس، پادشاه سیسیل، بی‌هیچ دلیلی همسرش را برادرش هرمیون را به رابطه با دوستش پولیکزن متهم می‌کند. او چنان در بدگمانی خود غرق می‌شود که دست‌سور زندانی کردن هرمیون و سپس مرگ او را صادر می‌کند. فرزند تازه به دنیا آمده نیز به دست‌سور او به سرزمینی بیگانه تبعید می‌شود. برگمن در تحلیل این نمایشنامه نشان می‌دهد بدگمانی لئونتس همان ساختار روانی اتللو را دارد، اما با تفاوتی کلیدی: در «داستان زمستان»، خبر مرگ ناگهانی پسرش مامیلیوس، لئونتس را بیدار می‌کند. او ناگهان درمی‌یابد که چرا کرده است. در آن لحظه است که می‌گوید: «دیگر هیچ حقیقتی جز حقیقت نابودی خودم نمی‌شناسم.» برگمن «داستان زمستان» را روایتی از رهایی از چنگال بدگمانی می‌خواند. برخلاف اتللو که تا انتها در توهم خود می‌ماند و تنها پس از کشتن دزدمونا به حقیقت پی می‌برد، لئونتس پیش از آنکه قافعه کامل شود، بیدار می‌شود. با این حال، تاوان این بیداری دیر هنگام سنگین است: هرمیون دیگر زنده نیست یا دست‌کم همه او را مرده می‌پندارند. پایان نمایشنامه با مجسمه‌ای از هرمیون که ناگهان جان می‌گیرد، لحظه‌ای شگفت‌انگیز است. برگمن این پایان را «تعمیر ممکن اما نه کامل» می‌نامد: خنارواده نمایشنامه می‌دهد چگونه بدگمانی بیمارگون، تردیدهای بی‌پایان و ترس از خیانت می‌توانند ذهن انسان را تسخیر کرده و فرد را به سمت ویرانی بکشانند. محور بحث او در این دو نمایشنامه، شخصیت‌هایی است که بی‌آنکه دلیل روشنی داشته باشند، گرفتار بدبینی و فریب می‌شوند. برگمن در «اتللو» شخصیتی قرار دارد که برگمن او را نمونه‌ای از «بدگمانی بیمارگون» می‌خواند. اتللو، سردار سپاهییوست که سازوکارهای دفاعی ذهن در برابر اضطراب از دست دادن را با دقتی شگفت‌انگیز به تصویر کشیده است و این شاید جادوانه‌ترین درس این کتاب باشد.

اما همان‌طور که متن پنهانی‌های خود را آشکار می‌کند، تفسیر آن با تصدیق می‌شود یاد رد. گوش دادن روانکاوانه را تنها تا حدی می‌توان به دانش‌جو یاد داد. وقتی روانکاوان به بیمار گوش می‌دهند تنها تا حدی می‌توانند بر آموخته‌هاشان تکیه کنند؛ از طرفی دیگر آنها به آنچه بیمار در آنها برمی‌انگیزد نیز گوش می‌دهند و این به شخصیت هر روانکاوستگی دارد. یک تفسیر روانکاوانه معمولاً از تلاقی دو ایده که بیمار از آنها بی‌خبر است شکل می‌گیرد اما برخی از این تلاقی‌ها معنای غنی‌تری نسبت به سایر دارند. مطالعات روانکاوانه بسیاری از نمایشنامه‌های شکسپیر در دست است و در این کتاب به برخی از آنها رجوع کرده‌ام. اما گمانم هم‌قرار دادن چند نمایشنامه، همان کاری که من کرده‌ام، یک منفعتی دارد و آن این است که رجحان متقابل میان چند نمایشنامه می‌تواند سرنخی باشد برای فاش ساختن ارتباط ناخودآگاهی که یک نمایشنامه به تنهایی نمی‌تواند معلوم کند.

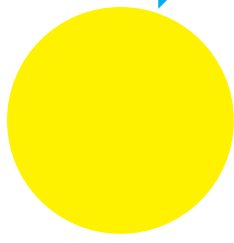


مارتین برگمن روانکاوی‌اش در نیویورک

قادر به برقراری‌شان نیستند و به گسست‌هایی که در روایت‌شان وجود دارد، گوش می‌دهند. با فاش شدن هر یک از اینها برای بیمار، ممکن است احساس قدردانی، خشم یا مخالفت او برانگیخته شود. در اکثر موارد نتیجه این امر عمق بخشیدن به روند روانکاوی است.

متن، بر خلاف بیمار تحت روانکاوی، پاسخی نمی‌دهد

# ایران



**صاحب امتیاز:**  
خبرگزاری جمهوری اسلامی

**مدیر مسئول:**  
صادق حسین جابری انصاری

**سردبیر:**  
هادی خسروشاهین

**مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**

**رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

**مدیرعامل:** علی منتقیان

**تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۲۰۸ • نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

**پایامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۳۸۸

**نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

**سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

**بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

**امام علی (ع):**  
چه سخنگوی خوبی است کتاب!

غزل الحکم، ح ۹۹۱



## انتشار نسخه ویژه نابینایان «هزارویک شب» با صدای «گلاره عباسی»

نسخه ویژه نابینایان سریال «هزارویک شب» ساخته مصطفی کیایی با صدای گلاره عباسی در پلتفرم فیلم‌منتشر شد.

«هزارویک شب» نام خود را وامدار یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ ادبیات جهان است و با داستانی معاصر تلاش کرده روایتگر توأمان زن و قدرت زنان و دختران ایرانی باشد. پیمان تیمورتاش متن روایت نسخه نابینایان این سریال را نوشته و برضبط آن نظارت کرده است. این نسخه از سریال در استودیو قرن ۲۱ با صدای مهدی بهزاد پور ضبط شده است. **امهر**



## سریال تازه «منوچهر هادی» در تلویزیون

سیمافیلم اعلام کرد: منوچهر هادی با سریال «صفا با خانواده» روایتی در قالب اجتماعی که به رویدادهای جنگ ۱۴ روزه کره خورده است، به قاب تلویزیون می‌آید. همچنین احمد مهرانفر، بازیگر سینما و تلویزیون، یکی از چهره‌های اصلی این سریال است: حضوری که کنجکاری بسیاری از مخاطبان را برای تماشای این مجموعه برانگیخته است. «صفا با خانواده» با فضایی خانوادگی، اجتماعی و طنز، تلاش دارد روایتی تازه از همدلی و روابط انسانی را در بستر اتفاقات روزهای جنگ به تصویر بکشد. **ایسنا**



## «درویش رضا منظمی» در بیمارستان

درویش رضا منظمی هنرمند برجسته و مدرس پیشگام کمانچه، بر اثر بروز عارضه ربوی در بیمارستانی در تهران بستری شد و روند درمان تحت نظر تیم پزشکی ادامه دارد. این هنرمند از چهره‌های تأثیرگذار موسیقی ایرانی است و از سال ۱۳۴۰ به مدت پنج سال نزد حسین یاحقی به‌صورت علمی و پولن و کمانچه را فراگرفت. منظمی از اعضای اولیه گروه «شیدا» بود و همکاری‌های او با محمد رضا لطفی، محمدرضا شجریان و ناصر فرهنگ فر نقش مهمی در جریان سازی موسیقی دستگاهی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ داشته است. **ایرنا**



## ایران، سرزمین، فرهنگ و زبان من است

ایران سرزمین من است. فرهنگ من است. زبان من است. جایی است که در آن بزرگ شدم. پس احساس می‌کنم که در آنجا ریشه دارم. به محض اینکه بتوانم بیرون از ایران بروم و کار کنم، کار می‌کنم، اما وقتی کارم تمام شد، می‌خواهم به خانه برگردم. درباره فیلم «داستان‌های موازی» و انتخاب بازیگران آن هم باید بگویم واقعاً قصد من از ابتدا داشتن یک گروه پنج ستاره نبود. من به فرانسه آمدم، بعد از اینکه تصمیم گرفته شد فیلم را در فرانسه بسازم، شروع به کار کردم. از قبل برای برخی نقش‌ها بازیگرانی در ذهن داشتم و برای بقیه شروع کردم به تماشای فیلم‌های اخیر فرانسوی تا ببینم چه کسانی را می‌توانم انتخاب کنم. اما بعد با تهیه‌کننده‌ام صحبت کردم و در عمل، هر کسی را اول امتحان کردم، تقریباً بلافاصله پذیرفت. بنابراین اتفاقاً به این گروه پرافتخار رسیدیم.



گزیدهای از صحبت‌های اصغر فرهادی در گفت‌وگو با ویرایتی در کن / ایرنا

## نگاهی به میراث عکاسی یحیی دهقان پور

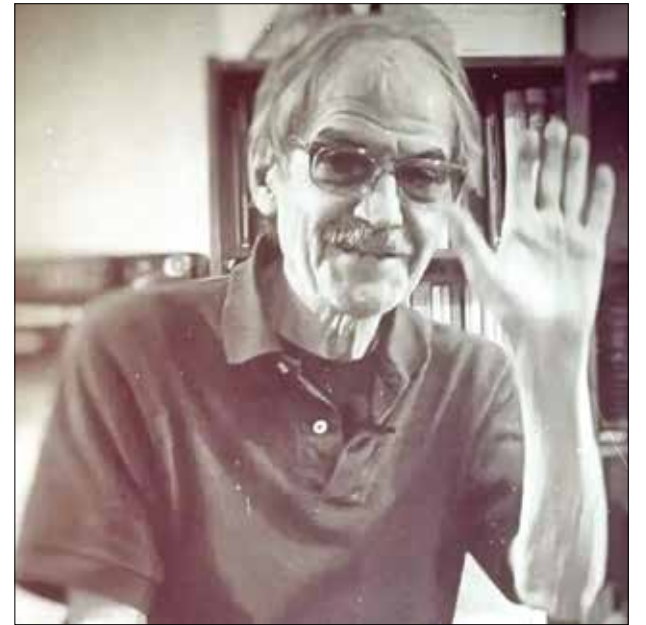
# دیدن با پس زمینه ایرانی بودن

### یادداشت

داود ارسونی

عکاس و فعال فرهنگی

عکاسی و آموزش عکاسی قبل از یحیی دهقان پور شکل دیگری بود. یکروند فنی بر پایه اصول اولیه این «فن هنر». ما دانشجویان عکاسی دهه شصت بودیم و یحیی دهقان پور یکی از استادان پسا انقلاب فرهنگی بود. ترکیبی از دانش ادبیات و از دانشگاه تهران تا زبان شناسی و کالج تکنیکال لندن و سپس اوج شکوه آموخته‌هایش در



انستیتو هنر سائفرانسیسکو. مردی که از ابتدای ورود به کلاس علاقه‌ای به بستن دکمه بالای پیراهنش نداشت. شلوار جین و مخمل کبریتی با کفش‌های جبر و چرم کالج می‌پوشید. بسیار با نظم بود. با موهای بلند لخت و بوی ادکلن‌هایی که با ترکیب دود سیگار چهره‌ای سمپاتیک و جذاب از او می‌ساخت.

نام بردن از عکاسانی که دیگر اساتید عکاسی چیرزی از او نمی‌شناختند. با مجموعه‌ای از کتاب‌ها و اسلایدهایی که هنوز هم شگفت‌انگیزند. او از هم‌نشینی با چهره‌های ادبیات و هنر ایران و جهان خاطره نمی‌ساخت. یک نقطه اتصال می‌یافت برای بیان روایتگری مدرن از عکاسی. چه

### از گزارشگری تا هنر

یحیی دهقان پور از نسل پیشگامانی بود که عکاسی ایران را از مرز گزارشگری صرف به قلمرو هنر بردند. برای او عکاسی دیدن صرف از راه منظره‌یاب دوربین نبود. می‌گفت گمان کنید چشمی دارید که در کف دست شماست و بعد دستش را به زیر میز می‌برد، پشت سرش را به دیوار می‌چسباند و می‌گفت حالا در ذهنتان ببینید، دست شما (چشم سوم) چه می‌بیند و چه درست می‌گفت! روشی که انقلابی بزرگ در شیوه آموزش عکاسی (آموزش دیدن) در عکاسی ایران راه به وجود آورد و هنوز که هنوز است مبنای اولیه آموزش عکاسی هنری است.

در کلاس‌های دهقان پور، هیچ وقت درباره دیافراگم و شاتر حرف زده نمی‌شد مگر آنکه دانشجویی اصول اولیه تکنیکال را نداند. در هنگام بررسی هر چیزی را که دم دستش بود برمی‌داشت و عکس چاپ شده دانشجوی را «کراپ» می‌کرد. گاهی از دو دستش و عینکش قطعه کوچکی در عکس می‌یافت که شگفت‌انگیز بود و می‌گفت باید این را می‌گرفتی و چه درست می‌گفت.

با روش و دانشجو نوشتن می‌آموخت، خواندن، شنیدن و دیدن. مثال‌هایش از ادبیات کهن از شعر عروسی و طنزهای

عبید و اشعار شکسپیر و شاملو تا پلان‌های فیلم‌های تارکوفسکی و گدار و برگمن. از نقاشی‌های کلاسیک قرون وسطی تا جکسون پولاک. از ارتباط عکاسی با همه آنها. این چنین وسعتی از گستره تسلطش بر هنر بی‌ظنیر بود.

### نقدی و آموزش

نقد‌های دقیق و منظم او بر عکس‌های دانشجویان گاهی این سؤال را پیش می‌آورد: او که چنین بی‌رحمانه نقد می‌کند خودش چگونه عکاسی است! عکس‌هایش کمتر دیده شده بودند. شاید تنها عکس‌هایی که از او دیده بودیم عکس‌های دوران انقلاب و چند قطعه عکس در کتاب پنج نگاه به خاک بود که با چهار دست

عکاس دیگرش مهدی خوانساری، بهمن جلالی، مهشید فرهنگند و کریم امامی آن را منتشر کرده بود. عکس‌هایی که به‌وضوح نوع نگاه و طنز نهفته در آن را می‌توان در قیاس با چهار عکاس دیگر به‌وضوح دید.

در سفرهای عکاسی دوربین بردست از چیزهایی عکس می‌گرفت که هیچ‌وقت نمی‌شد حدس زد نتیجه نهایی چیست. چون گاهی به قول مهران مهاجر «تکه تکه گی» و تبدیل به کلزهایش می‌شدند یا چنان بی‌رحمانه کادر را می‌بست که باورش برای یک عکاس معمولی سخت بود که منظور می‌شود چنین موضوعی را عکس نامید.



عکس‌های یحیی دهقان پور از مراسم تشییع جنازه فروغ فرخ زاد در سال ۱۳۴۵

و اولین مجموعه عکاسی جدی‌اش یعنی «آن روز او را در باغچه کاشتند» با موضوع مراسم تدفین فروغ فرخزاد، همیشه او یک عکاس گوشه‌گیر بوده است: نوعی سلوک شخصی تصویرمآبانه در میانه‌هایها.

دهقان پور میراثی از خود به جای گذاشت که امروز آن را می‌شود در هر گوشه ایران در ذهن و دست عکاسان جدی دید. او چگونه دیدن را با پس زمینه ایرانی بودن آموخت. اگر او امروز زنده بود قطعاً از شنیدن اینها بیزار می‌شد. هیچ علاقه‌ای به مدح و تعریف از خودش نداشت. با همان لحن خودش می‌گفت لی لی به لای لی من نگذارید!

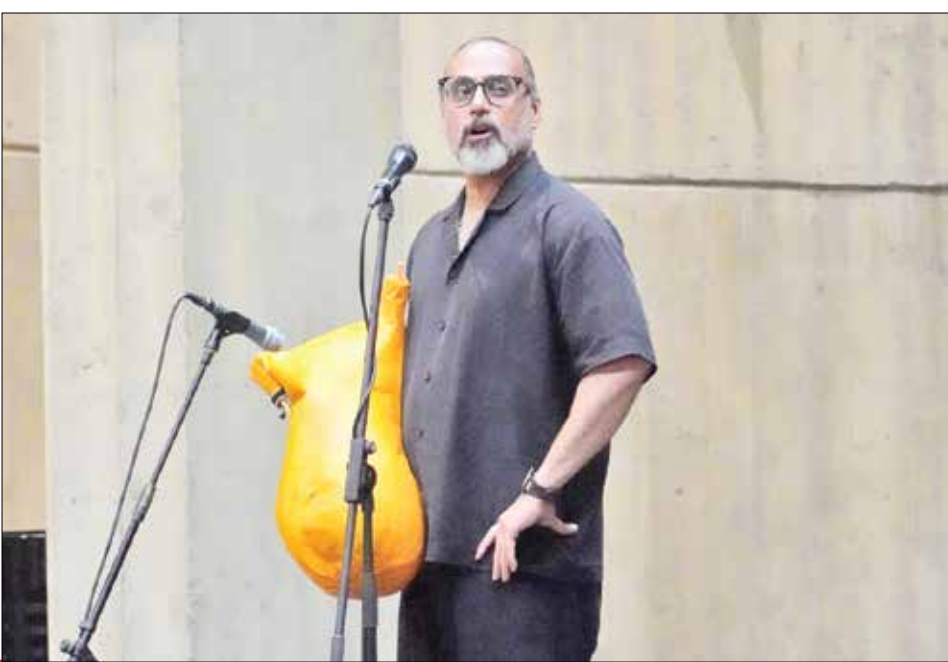
### مستندنگاری تصویری

مستندنگاری‌های او در دوران انقلاب و تصاویر ثبت‌شده‌اش از راهپیمایی‌های مردم با چندان دقتی کادربندی و قاب شده است که انگار یک کارگردان صحنه‌ای را در سن نمایش یا یک پلان سینمایی چیدمان کرده است. با وجود این در عکس‌هایش نوعی گوشه‌گرایی وجود دارد. دهقان پور با وجود آنکه در بطن حوادث و موضوعات عکاسی خود است، اما همیشه از یک گوشه خاص زدگی به زوایای مورد علاقه خود نگاه می‌کند.

از مجموعه کویا به‌های تهران که تصاویر در بند را ثبت کرده تا عکس‌های جاده‌ای و مناظر شهری‌اش و کلاژها و مجموعه بیخ‌هایش و حتی قدیمی‌ترین

معاصر را در کنار عناصر دیگری مانند آثار جمعی، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها تجربه کنند اما بنابه دلایلی چنین امکانی فراهم نشد.

او درباره حضور قابل توجه بانوان هنرمند در «موزیک تک چهار» و روایتی از موسیقی جنوب کشور بیان کرد: «همیشه معتقد بوده‌ام که زنان بخش جدانشدنی موسیقی به ویژه موسیقی جنوب هستند که ویژگی خاص خودشان را دارد، بنابراین تصمیم گرفتیم که گروه بانوان به صورت مستقل در این رویداد حضور داشته باشند. گروه موسیقی بانوان موسیقی جنوب پیش از این در جشنواره موسیقی کیش حضور داشتند اما به این صورت در تهران حضور نداشتند. طی مذاکراتی با مدیرکل دفتر موسیقی و انجمن موسیقی، به این جمع بندی رسیدیم که این امکان فراهم شود تا این هنرمندان به ویژه زنانی که به موسیقی جنوب ایران می‌پردازند، بتوانند فعالیت بیشتری داشته باشند.»



نشان دادیم که می‌توانیم این مسیر را ادامه دهیم. البته ادامه آن تا حدی به مسئولان و صدور مجوزهای لازم هم بستگی دارد: چون طبیعتاً یک نفر به تنهایی نمی‌تواند چنین کاری را پیش ببرد. این برنامه نیازمند ارتباط و تعامل میان موسیقی، سایر حوزه‌های هنری و برنامه‌ریزی دقیق است تا بتوانیم در قالب این مجموعه، ارتباطی مؤثر با مخاطبان برقرار کنیم. این نوازنده پیشگام تلویزیون در ادامه افزود: «برنامه‌ای که تجربه کردیم برای خود ما هم بسیار خاص و متفاوت بود. با توجه به فضای که در اختیار داشتیم، اتفاق جذابی رقم خورد. البته شخصاً دوست داشتم مخاطبان بتوانند موسیقی

بوشهر» اظهار کرد: «ما تصمیم گرفتیم این رویداد را برگزار کنیم تا آغازی برای ۵۰ سال پیش نیست؛ به همین دلیل نسل بعد هم نیاز دارد با زبان امروزی با فرهنگش ارتباط برقرار کند. اگر ما آگاهانه تغییرات را ایجاد کنیم و ریشه‌ها را نگه داریم و این گفتمان سنت و مدرنیته را حفظ کنیم بسیار موفق عمل کرده‌ایم. من معتقدم ما با گفتمانی که بین نسل‌ها ایجاد می‌کنیم، جوانانمان را به ریشه‌های خودشان علاقه‌مند می‌کنیم.»

محسن شریفیان، دبیر و طراح این رویداد موسیقی در جمع خبرنگاران درباره برگزاری «موزیک تک چهار» با توجه به محدود بودن کنسرت‌های موسیقی در کشور و برگزاری کنسرت گروه «لیان

## چهارمین برنامه از سلسله برنامه‌های «موزیک تک» با طراحی و دبیری محسن شریفیان برگزار شد

# ترنم نغمه‌های جنوب برای پایتخت نشینان

چنگ با سازی شده بر اساس نمونه چنگ ایلامی نواخته شد و در ادامه لیانا شریفیان نوازنده نی انبان به همراه گروهش بخشی از موسیقی هرمزگان را اجرا کردند. در یکی دیگر از گالری‌ها، موسیقی آیینی هرمزگان نواخته شد و در بخشی دیگری از نوازندگان با نواختن ساکسفون تلالی فرهنگ‌های مختلف از شرق و غرب را به نمایش گذاشت و در پایان این رویداد، در کنار «حوض روغن» موزه هنرهای معاصر تهران، آثاری با همراهی سازی نی انبان با نوازندگی محسن شریفیان و نوازندگان سازهای عود، کیبورد و کوبه‌ای اجرا شد که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

معاشر تهران برگزار شد. این برنامه که با محوریت موسیقی و سازهای جنوب کشور طراحی شده بود، با نواختن بوق‌های شاخی ماریچ در محوطه بیرونی موزه هنرهای معاصر تهران و در کنار یادگیرهای این موزه آغاز و در ادامه و در بخش داخلی موزه و در گالری‌های مختلف نوازندگان جنوب کشورمان با سازهایشان، بخشی از این فرهنگ موسیقایی را به نمایش گذاشتند. در اولین گالری،

### گزارش

گروه فرهنگی

**«آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای نوبت دوم به شماره ۰۰۵-۰۲-۰۱» (جاب اول)**

شرکتی در نظر دارد تعداد ۲۵ نفر نیرو جهت اخذ خدمات نظافتی و پذیرایی را از طریق شرکت‌های واجد شرایط تأمین نماید.

**محل و زمان دریافت اسناد:** خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نیش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۶، طبقه سوم، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ لغایت ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

**زمان تحویل پاکات و اعلام پیشنهاد قیمت:** حداکثر تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۲

**زمان گشایش پاکات پیشنهاد قیمت:** ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ ساعت ۱۰ صبح

متقاضیان دارای شرایط با شماره‌های ۰۲۹-۴۶۶۰۹۰۸ و ۰۲۹-۹۱۲۰۲۲۸۱۹۴ تماس حاصل فرمایند.

**IRAN DAILY**

**1877**

www.newspaper.iran-daily.com